

خاتمی، موسوی لاری را

برای وزارت کشور به مجلس معرفی کرد

● طرفداران دولت: برنامه موسوی لاری، ادامه برنامه عبدالله نوری است
● سردمداران جناح راست: مخالفیم!

هفته گذشته رئیس جمهور آقای موسوی لاری را به عنوان وزیر جدید کشور به مجلس پیشنهاد کرد، نمایندگان جناح راست با این انتخاب به مخالفت برخاسته‌اند و چنین به نظر می‌رسد که موضع نمایندگان «مستقل» که به تعبیر طرفداران دولت با پیوستن به جناح راست،

مجلس شورای اسلامی، عبدالواحد موسوی لاری را به عنوان نامزد پست وزارت کشور معرفی کرد. ناطق نوری با قرائت نامه رئیس جمهور، اعلام کرد که مجلس روز چهارشنبه ۳۱ تیر ماه، موضوع رای اعتماد به موسوی لاری را بررسی خواهد کرد.
موسوی لاری ۴۴ ساله است و پیش از این، معاون حقوقی و پارلمانی آقای خاتمی بوده است.
ادامه در صفحه ۵

در مقابله با ماموران تخریب شهرداری

هزاران نفر در شهرک مسعودیه تهران تظاهرات کردند

شهرک مسعودیه، واقع در منطقه شش تهران بزرگ، روز دوشنبه ۱۵ تیرماه شاهد تظاهرات چند هزار نفری گروهی از مردم بود، که برای مسانعت از ویرانی خانه‌هایشان توسط شهرداری به مقابله با نیروی انتظامی پرداختند.

ماموران شهرداری، زیر چتر حمایتی نیروهای انتظامی، برای تخریب ده‌ها خانه به منطقه یورش آوردند و اقدام به تخریب خانه‌های نوسازی نمودند که به ادعای شهرداری در منطقه فضای سبز ساخته شده بود. یورش ماموران شهرداری برای

برای بررسی ابعاد روز افزون بیکاری، در دو هفته گذشته، مجلس چندین جلسه غیر علنی و غیر رسمی، با حضور گروهی از مسئولان دولتی، تشکیل داد. پیرامون این جلسات و بحرانی که بیکاری در جامعه ما به وجود آورده است، خبرهای اندکی در روزنامه‌ها منتشر شد. نه نمایندگان مجلس و نه مسئولین دولتی، هیچکدام توضیح ندادند که چرا این مهمترین مشکل جوانان و انبوهی از مردم ایران را در پشت درهای بسته به گفتگو گذاشته‌اند؟

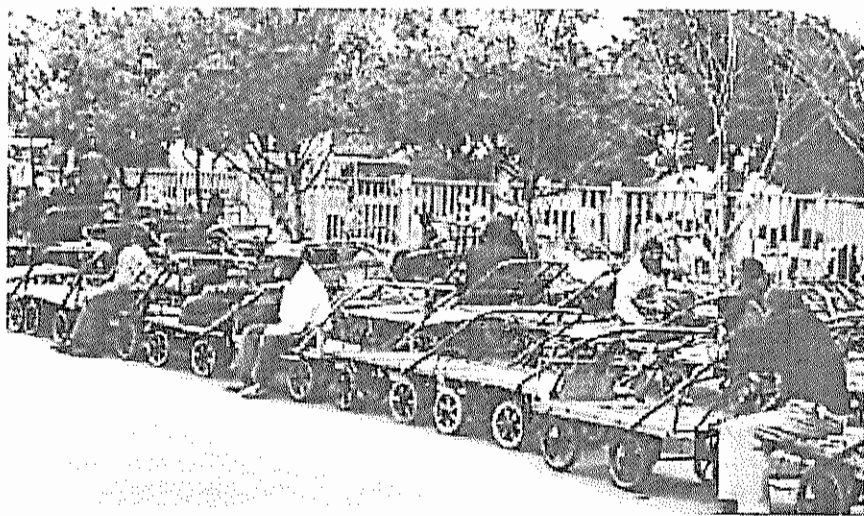
محمدباقر نوبخت، عضو هیئت رئیسه مجلس و مقرر کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، پس از برگزاری یکی از این جلسات مجلس، در مورد ابعاد نگران کننده بیکاری در کشور هشدار داد و گفت: در ۱۰ سال آینده، یعنی تا سال ۱۳۸۵، نرخ بیکاری در ایران ابعاد نگران کننده‌ای خواهد یافت. وی افزود: بر اساس آمارهای آرایه شده به جلسه

مسئولان خود اعتراف می‌کنند:

حداقل ۸ میلیون نفر در دهه آینده بیکار خواهند بود

● مجلس در پشت درهای بسته چندین جلسه برای بررسی ابعاد نگران کننده رشد بیکاری در ایران تشکیل داد

۱۳۷۵ به ۹/۱ درصد رسید اعلام کرد.
بر اساس پیش‌بینی‌ها، در دهه ۱۳۶۵ برابر با ۱۴/۸ درصد ادامه در صفحه ۳



به مناسبت درگذشت سهراب شهید ثالث
تصویرگر رنج و تنهایی درگذشت
در صفحه ۷

نامه سرگشاده
کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد
در صفحه ۲

باز هم درباره کودکان خیابانی
بر تعداد آنان دم به دم افزوده می‌شود
در صفحه ۶

در این شماره
سه مفهوم درباره آزادی:
لیبرالی، دموکراتیک و سوسیالیستی
برگردان: ب. کیوان
صفحه ۱۰

ولایت فقیه، دولت خاتمی، جامعه مدنی
و روی داد ۲ خرداد ۱۳۷۶
خانبابا تهرانی
صفحه ۸

پشت و روی صحنه سیاست
هفته‌نامه «راه نو»
صفحه ۹

کشمکش تازه در حکومت در مورد توسعه سیاسی: جناح راست: توسعه سیاسی مساله ایران نیست

● فایده این مناقشه تازه برای جناح راست تاکنون آن بوده است که خود را هر چه بیشتر به عنوان حامی حل مشکلات اقتصادی مردم معرفی کرده است

در دو هفته اخیر، مناقشه تند و تازهای بین جناح‌های حکومتی آغاز شده است. جناح راست حکومت با تبلیغات گسترده‌ای که پیرامون مشکلات اقتصادی کشور به راه انداخته، می‌گوید «توسعه سیاسی»، اهمیتی درجه اول در ایران ندارد و باید به فکر رفع مشکلات محرومان بود و طرفداران دولت، پاسخ می‌دهند که مساله اساسی ایران امروز، مساله توسعه سیاسی است. ناظران بیطرف می‌گویند جناح راست، با این اقدام تازه خود می‌خواهد دلایل موجبی برای

مقابله با آزادی‌های سیاسی داشته باشد و طرفداران دولت نیز در تاکید خود بر توسعه سیاسی، در عین حال بی‌عملی خود در عرصه‌های اقتصادی را توجیه می‌کنند.
روز دوازدهم تیر ماه، آیت‌الله یزدی، رئیس قوه قضاییه، در خطبه‌های نماز جمعه، «توسعه سیاسی» را مساله درجه چندم جامعه خواند و به جوانان توصیه کرد «به جای پرداختن به مسایل درجه چهارم و پنجم کشور، به مساله اصلی یعنی تورم و فشار

مقابله با آزادی‌های سیاسی داشته باشد و طرفداران دولت نیز در تاکید خود بر توسعه سیاسی، در عین حال بی‌عملی خود در عرصه‌های اقتصادی را توجیه می‌کنند.
روز دوازدهم تیر ماه، آیت‌الله یزدی، رئیس قوه قضاییه، در خطبه‌های نماز جمعه، «توسعه سیاسی» را مساله درجه چندم جامعه خواند و به جوانان توصیه کرد «به جای پرداختن به مسایل درجه چهارم و پنجم کشور، به مساله اصلی یعنی تورم و فشار

نامه سرگشاده ث. ژ. ت. به محمد خاتمی
پایمال ساختن
حقوق زحمتکشان ایران را متوقف کنید!

مذاکرات دسته‌جمعی در کشور شما ابراز می‌داریم.
در کشور شما، زحمتکشان مجاز نیستند سندیگانه‌های مستقل را که بیانگر منافع اجتماعی و حرفه‌ای خود باشند، به وجود آورند. آن‌ها همچنین حق ندارند که آزادانه مذاکره بکنند و مقاله‌نامه‌های دسته‌جمعی را متناوباً تجدید کنند. آنطور که این خواست‌ها اخیراً در بخش نفت

کنفدراسیون عمومی کارفرانس (ث. ژ. ت.) طی نامه‌ای به محمد خاتمی نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض خشن حقوق کارگران ایرانی ابراز داشت. در زیر متن این نامه را می‌خوانید:
آقای رئیس جمهور!
بدینوسیله نگرانی عمیق ث. ژ. ت. را در باره تجاوز مداوم به آزادی‌های سندیکایی و حق

اکنون در ایران گفتگو درباره مفاهیمی چون توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی بسیار حاد شده است و پیرامون الویت هر یک بر دیگری موضع‌گیری‌های متفاوتی صورت گرفته و مقالات متعددی نگاشته می‌شود. علت این امر بر وجود دو واقعیت متکی است. از سویی وخامت اوضاع اقتصادی کشور و از سویی دیگر افزایش تنش‌های سیاسی و بالاگرفتن درگیری بین جناح‌های حکومتی. واقعیت این است که گرانی و بیکاری، فقر و فلاکت، روزگار را بر مردم کشور ما سپاه کرده است. گذران زندگی با تمام مشقات آن، ادامه حیات با حداقل امکانات، تئویش و دغدغه دائمی میلیون‌ها تن از مردم کشور ماست. فاصله طبقاتی به شدت افزایش یافته و به جز اقلیتی محدود که از امکانات مالی و مادی غیر قابل تصویری برخوردار شده‌اند، اکثریت تام مردم با محرومیت فزاینده دست به گریبانند. بحران اقتصادی رو به وخامت بیشتر دارد. به عنوان نمونه و به مثابه یکی از شاخص‌های بحران، توان مالی و سرمایه‌گذاری دولت را می‌توان مثال زد: بودجه دولت که اساساً با اتکا به درآمد نفت و بر مبنای نفت بشکده‌ای ۱۶ دلار و اصلاحیه بعدی آن ۱۲ دلار، تدوین شده است. اکنون بر اساس قیمت حدود ۸ دلار در هر بشکه، چشم‌انداز تشدید بحران اقتصادی را رقم می‌زند. این وضعیت وخامت‌بار، پتانسیل اعتراضی قدرتمندی را در بخش‌های وسیعی از مردم شکل داده است که گاه خود را در شورش‌هایی همچون درگیری‌های جاده ساوه با مأمورین انتظامی و شورش اهالی مسعودیه به نمایش می‌گذارد.

سر مقاله
توسعه اقتصادی
در گرو تغییر ساختار سیاسی است

از سوی دیگر نیاز و خواست مردم و کشور به آنچه که بر آن نام «توسعه سیاسی» نهاده شده پژواکی میلیونی یافته است. از دوم خرداد سال گذشته، خواست تغییر روش و هنجارهای حاکم در جمهوری اسلامی، خواست آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، خواست تامین حاکمیت و اراده مردم در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، روز به روز تقویت شده و قوی‌تر به فریاد آمده است. انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد سال گذشته، خود تجلی این خواست‌ها و اعتراضات و آغاز دور جدید و اشکال نوین بروز این خواست‌ها بود. دوم خرداد در عین حال رای منفی مردم به سیاست‌هایی بود که رفسنجانی به مرحله اجرا گذاشت و کوشید بدون ایجاد آزادی‌های سیاسی به «توسعه اقتصادی» دست یابد. این سیاست یک بار در ایران شکست خورد و اکنون جناح راست بار دیگر ادعای تکرار آن را دارد.
اکنون مبارزه‌های همه‌جانبه و سرنوشت‌ساز برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، برای توسعه سیاسی کشور بر زمینه یک بحران ادامه در صفحه ۴

یادداشت

خانه ملت نیست، لانه ولایت است

در مراسم تجلیل از عبدالله نوری که ۲ روز پس از برکناری وی از وزارت کشور و رای عدم اعتماد از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، دانش‌جویان و بسیاری از حاضرین فریاد زدند «مجلس ضد ملت، انحلال، انحلال». همراه شدن این شعار با شعار تجلیل از نوری جلوه‌ای بخشید که باب طبع برخی از مسئولین حاضر در جمع نیز نبود، ولی مهم‌تر از آن، عکس‌العمل سخت حامیان ولی فقیه بود. ناطق نوری تعزیه‌گردان جلسه استیضاح عبدالله نوری در مجلس شورای اسلامی، از توهین به «خانه ملت برای نخستین بار» سخن گفت و حزب الله در تظاهرات به حمایت از مجلس شورای اسلامی داد و هواز کرد.

دفتر تحکیم وحدت برگزار کننده مراسم تجلیل از عبدالله نوری که در برابر تعرض وسیع دست راستی‌ها قرار دارد و حتی برخی از نمایندگان دست راستی مجلس در این روزها خواهان انحلال آن شده‌اند، با ارسال نامه سرگشاده‌ای به ناطق نوری شعارهای شرکت کنندگان در مراسم را نتیجه «برخوردهای دو گانه و سنجدیده گروهی از نمایندگان مجلس» خواند و بیاد رئیس فعلی مجلس شورای اسلامی آورد که شعار انحلال مجلس در تاریخ حیات جمهوری اسلامی نیز بی سابقه نبوده است.

در جریان بازنگری قانون اساسی در دوره سوم مجلس شورای اسلامی، نمایندگان دست راستی مجلس در هنگام رای‌گیری، بارها مجلس را دست جمعی ترک کردند و «عملاً مجلس را در معرض تهدید و انحلال» قرار دادند.

شعار انحلال مجلس از سوی دانش‌جویان، پاسخ صریح به تلاش‌هایی بود که از جانب حامیان ولی فقیه، به ویژه پس از یورش همه جانبه آنان در سالگرد دوم خرداد، شدت گرفت.

یورش همه جانبه جناح راست که پایه زیر ضرب بردن مطبوعات مستقل و «نیروی سوم» پس از سخنان فرمانده سپاه پاسداران آغاز شده بود، در فراز خود، وزیر برنامه «توسعه سیاسی» خاتمی را نیز به قربانیان خود افزود. در جریان استیضاح پخش بسیار بزرگی از پیروان خاتمی به «تلاش‌های از بالا» چشم دوخته بودند تا شاید گفتگوی خاتمی با «خودی»‌های دیگر - مانند آزادی‌کراسچی هر چند موقت - به نتیجه برسد. این سیاست ناموفق ماند. عبدالله نوری که پیش برد برنامه توسعه سیاسی خاتمی را به عهده داشت، برنامه‌ای که اجرای قانون و پای‌بندی به قانون بر تارک آن نوشته شده است، خود قربانی یک اقدام «قانونی» شد. استیضاح نمایندگان مجلس «قانونی» بود.

در یورش اخیر جناح راست، قانون و توسل به قانونیت نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. بخشی از سیاست انتخاباتی خاتمی به سلاح جناح راست برای مقابله با دست‌آوردهای مردم تبدیل شده است. و بسیاری از هواخواهان و پیروان خاتمی در این میان از خود می‌پرسند سیاست تک‌ریم به قانون چه آینده‌ای برای آنان رقم خواهد زد، آیا سیاست پای‌بندی به قانون در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی سیاسی «بدون ساحل» نیست؟ شعار انحلال مجلس از طرف دانش‌جویان، رادیکال‌ترین پاسخ به این موضوع از سوی آنان است.

مجلسی که این چنین در برابر خواست‌های مردم ایران مقاومت می‌کند و یکی از ارکان اصلی توطئه‌های دست‌گاه ولایت فقیه است و اعضای آن از «صافی» شورای نگهبان گذشته‌اند، مستحق چنین پاسخی است. این مجلس خانه ملت نیست، لانه ولایت است. □

فرمانده نیروی انتظامی: با مشکلات فراوانی روبرو هستیم

سرتیپ هدایت‌الله لطفیان، رئیس نیروی انتظامی کشور، از دولت و مجلس خواست این نیرو به جای رای یاری دهند. وی که در نماز جمعه تهران سخن می‌گفت، افزود: نیروی انتظامی هم اکنون با مشکلات فراوانی روبروست. لطفیان گفت: بودجه این نیرو نسبت به بودجه کشور رشد منفی دارد و نیروی انتظامی از کمبود ۴۸ درصد نیروی انسانی رنج می‌برد. فرمانده نیروی انتظامی گفت به دلیل کمبود نیروی انسانی، پرسنل این نیرو به جای ۸ ساعت، ۲۴ ساعت کار و ۲۴ ساعت استراحت می‌کنند. به گفته وی، نیروی انتظامی برای هر ۱/۷ میلیون نفر، تنها ۳۶ کادر دارد. وی تاکید کرد که پرسنل این نیرو مشکلات معیشتی فراوان دارند و به عنوان نمونه به وضع مسکن آنان اشاره کرد. □

کمک مالی

از طرف دالیا ۵۰۰ مارک

برای یاری به خانواده زندانیان و شهیدان در ایران، کمک‌های مالی خود را می‌توانید به

شماره حساب زیر واریز کنید:

شماره حساب: 714 700 2
کد بانکی: 370 400 44
Commerz Bank

خامنه‌ای ۳ نفر از فقهای شورای نگهبان را دوباره ابقا کرد
هیچ تعدیلی در شورای نگهبان صورت نگرفت

علیرغم انتظار نیروهای وابسته به دولت، برای «تعدیل در شورای نگهبان»، سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، سه آیت‌اللهی را که مواضع خصمانه تند علیه آزادی‌های سیاسی دارند، در سمت خود ابقا کرد و رئیس قوه قضاییه، «حقوق‌دانانی» را به مجلس معرفی کرد، که همه هوادار جناح راست هستند.

روز بیست و سوم تیر ماه، علی خامنه‌ای غلامرضا رضوانی، ابوالقاسم خزعلی و احمد جنتی را مجدداً به عضویت در شورای نگهبان منصوب نمود. عضویت این سه تن در شورای نگهبان در تاریخ بیست و پنجم تیر ماه پایان می‌یافت. خامنه‌ای

نوشت: «متأسفانه از هم اکنون ریاست قوه قضاییه عناصری را برای رای‌گیری به مجلس معرفی کرده است که جانب‌داری و تمایلات سیاسی آن‌ها اظهار من‌الشمس است و نمایندگان مجلس به هر ترتیبی که از میان شش حقوق‌دان پیشنهادی، سه تن را انتخاب کنند، به یک جناح رای داده‌اند». انتصابات اخیر در شورای نگهبان، با توجه به نزدیک شدن زمان انتخابات مجلس خبرگان، از اهمیت و حساسیت زیادی برای هر دو جناح حکومت برخوردار است. پیش از انتصاب مجدد سه فقیه شورای نگهبان، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی خواهان «تعدیل» در این شورا و انتخاب یک ترکیب

نامه سرگشاده به کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد
دولت ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نپیوسته است
خانم زهرا شجاعی صلاحیت نمایندگی زنان ایران را ندارد.

شکل تغییر کرد که با استناد به سند پکن که سن روشنی قید نکرده، عمل شود (ص. ۵۸ منبع فوق‌الذکر).
۶- قوانین ارث: در قوانین مدنی ایران در زمینه ارث نابرابری کامل وجود دارد. از جمله حق زن پس از مرگ همسرش، حتی در حالی که همه عمر را با هم زیسته و کار کرده باشند تنها یک هشتم اموال منقول است. ذکر اموال منقول بدان معنی است که اگر مردی تنها صاحب اموال غیر منقول مانند دو ها هکتار زمین و باغ باشد، پس از فوت وی هیچ چیز به همسرش تعلق نمی‌گیرد. همچنین پس از مرگ پدر یا مادر، به پسر دو برابر دختر ارث می‌رسد. زنان نماینده جمهوری اسلامی، با این توجیه که در اسلام به زن نفقه و مهریه تعلق می‌گیرد، واژه تساوی ذکر شده قبل از حق ارث را حذف و به صورت کلی بهره‌مندی زن از حق الارث در آورده‌اند (ص. ۹ منبع فوق‌الذکر).
۷- تجاوز به عنف: تمکین، جزء قوانین مدنی و اسلامی ایران است. چنانچه زنی در مقابل همسرش از عمل جنسی خودداری نماید، قابل مجازات است.
طبق گفته خانم شجاعی، «بحث بعدی تجاوز به عنف بود که ... باز با تلاش و کوشش کارشناسان ما به صورت کلی حذف شد... که به شکل مورد نظر و توافق جمهوری اسلامی ایران درآمد.» (ص. ۹ همان منبع)

نکته کلیدی و قابل بررسی در کنوانسیون آتی شما این است که سه سال پس از کنفرانس جهانی زنان در پکن، زنان ایرانی همچنان تحت فشار قوانین نابرابر در جمهوری اسلامی هستند و اگر مجلس شورای اسلامی در شور دوم نیز دو قانونی را که اخیراً در شور اول تصویب کرد از تصویب بگذرانند، دو قانون دیگر نیز به این قوانین ضد زن افزوده شده است. خلاصه این طرحها چنین است:
۱- روز یکشنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۷۷ (آوریل ۹۸) مجلس شورای اسلامی در شور اول ماده ۶ قانون مطبوعات را به گونه‌ای تغییر داد که اولاً دفاع از حقوق زنان در انتقاد از قوانین موجود به دلایل اینکه قوانین مصوبه در مورد زنان، جزء قوانین و احکام الهی هستند، ممنوع گردید و ثانیاً چاپ تصویر زنان در مطبوعات ممنوع شد. با تصویب این قانون ارتجاعی، زنانی که تا امروز از حقوق زنان در ایران دفاع نموده‌اند عملاً جانشان در خطر قرار می‌گیرد.
۲- زنانه - مردانه کردن بیمارستان‌ها و کلیه اماکن درمانی در هفته اول اردیبهشت در شور اول به تصویب رسید. این در شرایطی است که اجرای این قانون با امکانات محدود پزشکی در ایران، میلیونها زن ایرانی از دسترسی به خدمات پزشکی محروم و مرگ حتمی بسیاری را به دنبال خواهد داشت.
خانم رئیس، خانم‌های نماینده!

جمهوری اسلامی ایران قبل از اجلاس اخیر کمیسیون، اعلام نمود که به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نمی‌پیوندد. آیا نمایندگان جمهوری اسلامی در اجلاس، این خبر را به اطلاع شما رسانده‌اند؟ آیا ذکر نموده‌اند که چرا ایران نباید عضو این کنوانسیون باشد؟ شما که ناظر بر چگونگی به اجرا درآمدن مصوبات کنفرانس جهانی پکن هستید، شما که برآنید که از حقوق زنان جهان دفاع کنید، باید بدانید که امروز زنان ایرانی برای رسیدن به حقوق برابر با مردان، نیاز به یاری و همراهی همه مدافعین حقوق بشر و به ویژه زنان در جهان دارند. زنان ایران دستان خود را به سوی شما دراز می‌کنند. در افشای بی‌عدالتیها و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی ایران ما را همراهی کنید و با ما همصدا شوید.
با احترام

کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۵ تیرماه ۱۳۷۷

هفت زندانی در مشهد، بر اثر آتش‌سوزی جان باختند

به گزارش خبیرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ زندانی زندان مشهد در جریان یک آتش‌سوزی جان باختند و دو نفر دیگر مجروح شدند. این آتش‌سوزی در ساعت ۹ صبح روز بیست و سوم تیر ماه در کارگاه صنایع دستی زندان رخ داد. به گفته مسئولین زندان، هواخوری و یا ملاقات با خانواده‌های خود بوده‌اند.

در مورد علت وقوع این آتش‌سوزی گزارش‌های مختلفی منتشر شده است. مسئولین زندان، اتصال سیم‌های برق در کارگاه صنایع دستی زندان را دلیل حادثه اعلام کرده‌اند و مقامات قضایی در تهران گفته‌اند حریق به علت برخورد ته سیگار یک زندانی با مواد اشتعال‌زا و از کارگاه تجاری زندان شروع شده است. شعله‌های آتش سپس از طبقه هم‌کف به بند چهار زندان در طبقه سوم ساختمان سرایت کرده است.

مسئولین زندان و آتش‌نشانی مشهد، از اقداماتی که برای مهار آتش‌سوزی و کمک به زندانیان صورت گرفته است، سخنی به میان نیاورده‌اند. در مشهد این پرسش در میان مردم طرح شده است که چطور در محوطه ساز هفت نفر زندانی در آتش سوخته‌اند و کسی موفق به نجات آنان نشده است؟ □

موجودی بانک صادرات در پاریس سرقت شد

موجودی بانک صادرات ایران، شعبه پاریس، روز سه‌شنبه هفته گذشته همزمان با روز ملی فرانسه، به سرقت رفت. مقامات ایرانی، پول‌های سرقت رفته را ۹۰ هزار دلار اعلام کرده‌اند.

به گزارش خبیرگزاری جمهوری اسلامی، هویت سارقان روشن نیست، اما یک زن در میان آنان بوده است. سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه با ارسال نامه‌ای به وزارت خارجه فرانسه به این حادثه اعتراض کرده و خواهان حفاظت بیشتر از ساختمان‌های متعلق به جمهوری اسلامی در این کشور شده است. دو سال پیش نیز شعبه بانک تجارت جمهوری اسلامی در پاریس مورد سرقت قرار گرفته بود. جزئیات این حادثه هنوز به طور دقیق روشن نشده است. □

هفت نشریه، روزانه شدند

هیات نظارت بر مطبوعات با تغییر ترتیب انتشار هفت ماهنامه و هفته‌نامه به صورت نشریه موافقت کرد. از این پس ماهنامه آیات، هفته‌نامه خزر، هفته‌نامه محلی نقش‌قلم، هفته‌نامه طوس، نشریات استقلال جوان، پیروزی و ورزش و اندیشه به صورت روزانه منتشر خواهند شد. □

حرف‌هایی که نوری نگفت!

نشریه عصر ما: متأسفانه آقای نوری مجلس را با کلیسا اشتباه گرفت

مدافعان عبدالله نوری در جریان استیضاح، ناراضی بسیاری از طرفداران دولت خاتمی را برانگیخت. او در مجلس بسیاری از محتاطانه‌تر از سخن‌رانی‌ها و مواضعش در زمانی که وزارت کشور را در دست داشت سخن گفت، تا جایی که عصر ما، نشریه مجاهدین انقلاب اسلامی نوشت: آقای نوری مجلس را با کلیسا اشتباه گرفت و به موعظه‌های اخلاقی اکتفا کرد.

عصر ما، در مقاله‌ای با نام «آن چه آقای نوری نگفت»، به انتقاد از دفاعیه وزیر کشور سابق در مجلس پرداخت و نوشت: علت ناکامی وزیر کشور در این استیضاح را نباید در قدرت جناح مخالف دولت در مجلس، بلکه در عوامل دیگری همچون خودداری وی از طرح برخی از مسایل، دفاع غیر منسجم و بی‌برنامه وی جستجو کرد. عصر ما نوشت: بنای جناح اکثریت بر بحث و اقتناع نبود، آنان تصمیم خود را از پیش گرفته بودند و به دادن رای کبود به وزیر کشور هم قسم شده بودند... آقای نوری باید حدود ۶۰ نماینده مستقل مجلس را مخاطب اصلی خود قرار می‌داد.

عصر ما افزود: آقای نوری باید به نمایندگان مستقل مجلس و ملت ایران توضیح می‌داد که به خاطر برکناری استانداری استیضاح می‌شود که منتهی است پانزده هزار رای به صندوق ریخته، وزیر کشور باید می‌گفت به خاطر برکناری استانداری محاکمه می‌شود که در حوزه مسئولیت او صندوق آراء خاتمی سوزانده شده است.

عصر ما افزود: آقای نوری باید به نمایندگان و نیز به همه یادآور می‌شد آن زمان که خفاش شب و مرد هزار چهره با ربودن و

هزاران نفر در شهرک مسعودیه...

ادامه از صفحه ۱
دستگیری و زخمی نمودن تظاهرکنندگان نمودند. با سرکوب مردم، تظاهرات ابعاد وسیع‌تر و خشونت‌آمیزی یافت و جوانان خشمگین به شهرداری منطقه ۶ حمله کردند و دیوارها، کلیه وسایل و کیوسک‌های متعلق به شهرداری را ویران کردند. در جریان این حملات، چندین دستگاه خودروی دولتی به وسیله کوکتل مولوتف به آتش کشیده شد. تظاهرکنندگان با مسدود نمودن خیابان کله‌پر، به دو بانک صادرات و تجارت که در مسیر تظاهرات واقع بود، حمله کردند و شیشه‌های آن‌ها را شکستند.

مقامات امنیتی برای خاموش کردن تظاهرات، یگان ویژه سپاه پاسداران را وارد عمل کردند. درگیری مردم با مأموران انتظامی تا نیمه شب ادامه یافت.

کشمکش تازه در حکومت در...

ادامه از صفحه اول
اقتصادی از الویت‌های مهم کنونی هستند، اما توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی مقدم است. وی تأکید کرد: اصل انقلاب اسلامی در ایران برای توسعه سیاسی کشور بوده است. روزنامه‌های ایران در دو هفته اخیر بیشترین مقالات خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. روزنامه‌های سلام و همشهری، با انتشار مقالات مختلف در صدد

دفتر تحکیم وحدت: رئیس مجلس پاسخ دهد!

گروهی از نمایندگان مجلس در صدد تهیه طرح انحلال دفتر تحکیم وحدت هستند



صحنه‌ای از اجتماع جنجالی دانشجویان در نیم تیر ماه. دانشجویان به نشانه حمایت از روزنامه جامعه، نسخه‌های این روزنامه را بر سر دست گرفته‌اند.

دفتر تحکیم وحدت شعارهای دانشجویان علیه مجلس را وحشت در دل مردم انداخته بود، این نمایندگان دلسوز امنیت و آسایش مردم، دولت و وزیر کشور را استیضاح نکردند. آن زمان که اغتشاشات یکی پس از دیگری در مشهد و شیراز و قزوین و اسلام‌شهر همه را نگران کرده بود، کسی به فکر استیضاح نبود.

عصر ما در مورد مسایل اصفهان و نجف‌آباد نوشت: وزیر کشور باید توضیح می‌داد در برخورد با مساله این دو شهر دو نظر متفاوت وجود دارد، مراکز معتقد به خشونت و ایجاد رعب و وحشتند، ولی دولت و وزارت کشور خشونت را کارساز نمی‌داند و معتقد به راه حل سیاسی است. وزیر کشور باید می‌گفت علیرغم خواست دولت، راه اول اعمال شد و ده‌ها تن نیز دستگیر شدند، اما مشکل نجف‌آباد حل نشد.

عصر ما، در پایان این مقاله نوشت: «متأسفانه آقای نوری مجلس را با کلیسا اشتباه گرفت و به موعظه‌های اخلاقی اکتفا کرد. در این که چرا آقای نوری در جریان استیضاح این گونه عمل کرد، حرف و حدیث بسیار است و خود ایشان برای رفع ابهامات پدید آمده، باید در فرصت مناسب حقیقت را برای مردم بازگو کند.»

ما بر این پرسش‌ها، این پرسش را می‌افزاییم که چرا آقای خاتمی، در جلسه مربوط به استیضاح حضور نیافت و به دفاع از وزیر کشور برخاست. آیا می‌توان تاثیر حضور رئیس جمهور در مجلس و دفاع او از وزیر کشور را بر آن «۶۰ نماینده مستقل» نادیده گرفت؟ آیا مردم نباید بدانند چه مسایلی در پشت پرده استیضاح گذشته است؟

ادامه از صفحه اول
آینده، یعنی تا سال ۱۳۸۵، بیش از ۱۳/۸ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور اضافه می‌شود. به گفته نوبخت برای حفظ نرخ رشد فعلی بیکاری، یعنی ۹/۱ درصد، باید نرخ رشد اقتصادی کشور به طور متوسط به ۶/۷ درصد برسد. نماینده مجلس تأکید کرد که نرخ رشد اقتصادی کشور در حال حاضر یک درصد است و حتی از نرخ صفر درصد هم سخن گفته می‌شود. بیشترین نرخ رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی ۳/۲ درصد اعلام شده است.

به گفته مخر کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، حتی اگر وضعیت فعلی حفظ شود، ایران در دهه آینده، بیش از ۸ میلیون بیکار خواهد داشت. بسیاری از اقتصاد دانان این ارزیابی‌ها و آمارها را بسیار خوشبینانه می‌دانند. بنا بر برخی آمارهای غیر دولتی، از جمله در گفتگوی رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با روزنامه رسالت، نرخ بیکاری به زودی در ایران به ۲۵ درصد می‌رسد.

ادامه از صفحه اول
روزنامه مدعی شد این تئوری وجود ندارد و کار به دست اطفال سیاسی افتاده است: «در مسیر توسعه سیاسی، بهتر است، هر دو جریان، اقدام سیاسی را به عنوان بازی مردانه‌ای تلقی کرده و از سپردن آن به اطفال سیاسی خودداری کنند». اشاره این روزنامه، به دانشجویان است که در ماه‌های اخیر به عنوان یک نیروی سیاسی جدی در ایران سربرآورده‌اند.

ادامه از صفحه اول
اثبات شعارهای رئیس جمهور مبنی بر اهمیت توسعه سیاسی کشور برآمدند. در این حال روزنامه رسالت مدعی شد که طرفداران دولت هیچ‌گونه برنامه‌ای برای توسعه سیاسی ندارند. این روزنامه نوشت: «توسعه سیاسی بدون تئوری و یژده‌ای که تمامی شرایط بومی، فرهنگی و سیاسی را در نظر گرفته و روش خاص توسعه را در یک منطقه یا کشور پی‌ریزی

نماید، امکان ندارد». این روزنامه مدعی شد این تئوری وجود ندارد و کار به دست اطفال سیاسی افتاده است: «در مسیر توسعه سیاسی، بهتر است، هر دو جریان، اقدام سیاسی را به عنوان بازی مردانه‌ای تلقی کرده و از سپردن آن به اطفال سیاسی خودداری کنند». اشاره این روزنامه، به دانشجویان است که در ماه‌های اخیر به عنوان یک نیروی سیاسی جدی در ایران سربرآورده‌اند.

ادامه از صفحه اول
روزنامه مدعی شد این تئوری وجود ندارد و کار به دست اطفال سیاسی افتاده است: «در مسیر توسعه سیاسی، بهتر است، هر دو جریان، اقدام سیاسی را به عنوان بازی مردانه‌ای تلقی کرده و از سپردن آن به اطفال سیاسی خودداری کنند». اشاره این روزنامه، به دانشجویان است که در ماه‌های اخیر به عنوان یک نیروی سیاسی جدی در ایران سربرآورده‌اند.

بیانیه کنفرانس

وین در مورد وضعیت

کردهای ایران

نمایندگان سوسیالیست عضو پارلمان اروپا و نمایندگان احزاب سوسیالیست اروپایی عضو اتحادیه اروپا در کنفرانس خود در وین بیانیه‌ای «در مورد آینده مساله کرد در ترکیه و در کشورهای همسایه آن» تصویب کردند که بخشی از آن به مساله کردها در ایران اختصاص دارد.

در بیانیه این کنفرانس که در روزهای ۲ و ۳ ژوئیه تشکیل شد، آمده است:

در مورد وضعیت

کردها در ایران

۸ - از آنجائیکه انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری و نیز پارهای از ابتکارات از جانب دولت وی را به عنوان نشانه‌های مثبت برای تحول آتی در جمهوری اسلامی می‌بینیم، شدیداً ابراز امیدواری می‌کنیم که اصلاحات دمکراتیک و بویژه بهبودی چشمگیر در زمینه حقوق بشر را به دنبال خود داشته باشد.

۹ - در شرایط فعلی مقامات ایرانی را فرا می‌خوانیم که دست از تعقیب و آزار و اذیت مداوم علیه مردم کرد در ایران، بویژه علیه اعضای حزب دمکرات کردستان در ایران و رهبریت این حزب در خارج از کشور بردارند.

۱۰ - از مبارزه حزب دمکرات کردستان ایران عضو انترناسیونال سوسیالیست برای حل مسالمت‌آمیز و دمکراتیک مساله کرد در چهارچوب سرزهای ملی ایران پشتیبانی می‌کنیم. برداشتن مسئولیت کسب خبر در مورد استان‌های کرد در ایران، برای ما به عنوان اولین گام در راه مساعد ساختن زمینه برای شروع دیالوگ بین مقامات دولتی ایران و حزب دمکرات کردستان ایران خواهد بود و نیز به رسمیت شناختن حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یک نیروی دمکراتیک اپوزیسیون از جانب مقامات دولتی را به عنوان اولین اقدام و تدابیر لازم برای یک چنین راه حلی تلقی خواهیم کرد.

۱۱ - موافق می‌باشیم که فعالیت سازمان‌های انسانی برای کمک به ده‌ها هزار کرد ایرانی که در شرایط سخت در کمپ‌های پناهندگی و اکثراً در شمال عراق بسر می‌برند را مورد تشویق و حمایت قرار دهیم.

۱۲ - ما با بررسی امکان اعزام یک هیات به ایران جهت جمع‌آوری اطلاعات مستقیم در مورد جنگونگی وضعیت در کردستان ایران و نیز در مورد رفتار فعلی دولت ایران نسبت به دورنمای دیالوگ و پیدا کردن راه حل سیاسی مساله کرد موافق می‌باشیم.

حداقل ۸ میلیون نفر در دهه آینده بیکار خواهند بود

در جلسات مجلس، روشن شد که نه وزارت کار و نه هیچ وزارتخانه دیگری، مسئول اشتغال در ایران نیست! کمالی وزیر کار و امور اجتماعی که در یکی از این جلسات غیر علنی شرکت کرده بود، مسئولیت وزارت کار در تأمین اشتغال در ایران را رد کرد و قرار شده است که در «مجموعه دولت، نهادی به همین منظور در نظر گرفته شود».

در جلسات غیرعلنی مجلس، مذاکراتی در مورد سرمایه‌گذاری و تأمین امنیت سرمایه، به عنوان یکی از عوامل اصلی اشتغال صورت گرفته است. به گفته نمایندگان قرار است در زمینه ایجاد قوانین جدید به منظور سرمایه‌گذاری و تأمین امنیت آن مذاکرات بیشتری صورت گیرد. نوبخت، بعد از پایان جلسه ۲۴ تیر ماه گفت: حداقل دو جلسه دیگر، برای بررسی مسایل مربوط به بیکاری مورد نیاز خواهد بود.

در حالی که جلسات مجلس پشت درهای بسته صورت می‌گیرد و از جزئیات آن اخبار اجرایی آنها، عین طرح ملی توسعه سیاسی است. در حالی که این بحث با شدت در میان طرفداران خاتمی و مخالفین او جریان دارد، به نظر می‌رسد که جناح راست، تا همین چا پیروزی بزرگی به دست آورده است و می‌رود تا خود را به عنوان جناح «حامی توسعه اقتصادی» به مردم بشناساند. پیوندها و نزدیکی‌ها و ملاحظاتی بسیاری که در بین دو جناح حکومتی وجود دارد، مانع از آن است که طرفداران دولت به این

اجرای آنها، عین طرح ملی توسعه سیاسی است. در حالی که این بحث با شدت در میان طرفداران خاتمی و مخالفین او جریان دارد، به نظر می‌رسد که جناح راست، تا همین چا پیروزی بزرگی به دست آورده است و می‌رود تا خود را به عنوان جناح «حامی توسعه اقتصادی» به مردم بشناساند. پیوندها و نزدیکی‌ها و ملاحظاتی بسیاری که در بین دو جناح حکومتی وجود دارد، مانع از آن است که طرفداران دولت به این

بیست روز پس از بازداشت

توسعه اقتصادی در گرو تغییر...

از حجت‌الاسلام سعیدزاده، هیچ اطلاعی در دست نیست

ادامه از صفحه اول
 حاد اقتصادی جریان دارد. بحث و موضع‌گیری‌های متفاوت در میان جناح‌های حکومتی پیرامون اولویت توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی و در تقابل قرار دادن این دو بدین خاطر بالا گرفته است که پیروان جناح ولایت فقیه، جناح فقه سنتی و بازار، مزورانه می‌کوشند تا تکیه بر نیازها و خواست‌های اقتصادی مردم و با پنهان شدن پشت ضرورت توسعه اقتصادی، در برابر خواست‌های سیاسی و اجتماعی آنان سد ایجاد کنند و روند و حرکت‌های ایجاد شده جهت تحولات سیاسی در کشور را متوقف سازند. این جناح فاقد هرگونه برنامه اقتصادی تازه است و همواره به قیمت ویرانی و انهدام اقتصاد کشور به فکر پر کردن جیب خود بوده است. اما اکنون مسأله توسعه اقتصادی را در صدر وظایف حکومت عنوان می‌کند. این جناح توسعه سیاسی را جزو اولویت‌های چهارم و پنجم اعلام می‌کند و گاه از «استبداد مصلح» دم می‌زند. این جناح می‌کوشد دولت و جناح رقیب، خاتمی و اصلاح‌طلبان درون حکومت را مسبب وضعیت وخیم اقتصادی معرفی کند و خشم مردم را به سوی آنان سوق دهد.

واقعیت این است که خاتمی و دولت طرفدار وی نیز طی یک سال گذشته از هر اقدام جدی و موثر در عرصه اقتصادی و برای تخفیف بحران اقتصادی از جمله به خاطر پیامدهای سیاسی آن، اجتناب کرده‌اند. خاتمی و اصلاح‌طلبان درون حکومت علیرغم آن‌که از ضرورت توسعه سیاسی سخن می‌گویند، از هر اقدام جدی در عرصه اقتصادی، از آنجا که مستلزم تقابل جدی سیاسی و تعرض به پایگاه‌های اقتصادی جناح رقیب است، خودداری کرده‌اند.

خاتمی با وجود پشتوانه عظیم حمایت مردم، تاکنون فاقد اراده سیاسی لازم برای اقدام جدی اقتصادی بوده است. و این نقطه ضعف اصلی و ضربه‌پذیر جناح خاتمی در برابر رسانتی‌ها و بازاربانان است. این امر زمینه را برای موثر افتادن تبلیغات عوام‌فریبانه آنان فراهم می‌کند. با تاکید باید گفت تمام شواهد نشان می‌دهد در کشور ما، بدون تغییر ساختار سیاسی کشور و بدون آنکه حقوق و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی مردم تامین شود، به بیان دیگر بدون تامین درجاتی از توسعه سیاسی نمی‌توان در جهت تغییر ساختار اقتصادی حرکت کرد.

در کشوری که امور به مبنای اراده ولی و والیان فقاقت و منافع دسته‌بندی‌های خاص جریان می‌یابد، در کشوری که اقتصاد تک محصولی نفت حاکم است و دست دولت از کنترل مالی و مالیاتی ۴۰ تا ۴۵ درصد ثروت ملی و توان تولیدی کشور که در اختیار چند نهاد بنیاد مستضعفان، تولید آستان قدس و کمیته امداد امام خمینی قرار دارد (بعنوان بخشی از منابع تامین مالی دولت) کوتاه است، در کشوری که بخش‌های تجاری و انگلی امکان کسب سودهای نجومی و غارت‌های میلیاردی دارند و در نتیجه سرمایه‌های کمتر به بخش تولیدی و تولید صنعتی کم بازده اختصاص می‌یابد، در کشوری که نهی سیاست و سیاست اقتصادی کشور در دست نیروی غارتگر انگل صفت بازار قرار دارد، در کشوری که از وجود یک بوروکراسی شدت ورم‌کرده و ناکارآمد رنج می‌برد، در کشوری که فساد مالی در میان دولت مردان و مسئولان اداره کشور به شدت فراگیر شده است و سو استفاده مالی از موقعیت و بهره‌وری از ساختار غیر عقلانی کشور در میان مسئولان عمومیت یافته است، در کشوری که سلطه فکر سرکوبگر و انحصارگر استفاده از تمام توان انسانی و تخصصی کشور را امکان‌ناپذیر می‌کند، در کشوری که وجود انواع فشارهای اجتماعی و مذهبی به فرار مغزها و سرمایه‌ها و عدم جذب آن‌ها انجامیده، می‌انجامد، در کشوری که به خاطر تباین بنیادی نظام سیاسی آن با موازین دموکراسی، ایجاد ثبات سیاسی و در نتیجه توسعه اقتصادی ناممکن است، در کشوری که فکر و سیاست بنیادگرا در عرصه خارجی، به جای همکاری، تعارض و تقابل بین‌المللی را علیه کشور برانگیخته است، در چنین کشوری با تکیه می‌توان گفت تغییر ساختار اقتصادی منوط به تغییر ساختار سیاسی است.

این امر به هیچ روی به آن معنا نیست که خواست‌ها و مطالبات توده‌های مردم به پیمان «توسعه سیاسی» بی پاسخ بماند. مردم همین امروز کار، مسکن و نان می‌خواهند و برای ایجاد کار، مسکن و نان، باید همین امروز با جدیت آغاز به کار کرد. نخستین گام در این راه محدود کردن قدرت بازار و اقدامات عاجل برای بیرون کشیدن اقتصاد و سیاست ایران از زیر نفوذ آن است، که خود در عین حال بزرگ‌ترین گام در جهت توسعه سیاسی نیز هست.

اگر دموکرات‌ها و اصلاح‌طلبان نتوانند رابطه توسعه سیاسی با اصلاحات اقتصادی را به درستی به مردم نشان دهند، اگر نتوانند به توده‌های مردم اثبات کنند که هر گونه تحول در ایران، چه برای دست یافتن به آزادی و چه برای ایجاد کار و مسکن و نان در گرو تغییر اساسی در قدرت سیاسی و کوتاه کردن دست بازار و حامیان ولایت فقیه در حکومت است و مبارزه برای این خواست‌ها را از همین امروز با جدیت بیشتری شروع نکنند، آن‌گاه این خطر وجود دارد که غارتگران دست‌رنج مردم، کسانی که با ویرانی و انهدام اقتصاد کشور خود را پروار کرده‌اند، بتوانند خود را دلسوز و مدافع حقوق اقتصادی مردم جا بزنند و نیروی بزرگی را به تقابل با آزادی‌های سیاسی بکشانند.

در حالی که بیش از بیست روز از بازداشت حجت‌الاسلام محسن سعیدزاده می‌گذرد، هنوز هیچ اطلاعی از محل بازداشت او در دست نیست. وی که به دنبال چاپ یک مقاله در اثبات شرعی بودن اقدامات طالبان دستگیر شد، در زندان نامعلومی به سر می‌برد و اعتراض به بازداشت او وسعت می‌گیرد.

«کمیته حقوق دانان جهت دفاع از حقوق بشر»، با صدور اطلاعیه‌ای دستگیری حجت‌الاسلام محسن سعیدزاده را محکوم کرد. این کمیته که محل آن در نیویورک است، محسن سعیدزاده را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی جنبش اصلاح حقوق خانواده در ایران معرفی کرده است. این کمیته از قول مسئول بخش حقوقی کمیسیون حقوق بشر خبر داد که از زمان بازداشت سعیدزاده، پیگیری‌های لازم انجام شده ولی تا کنون اطلاعی از محل بازداشت وی به دست نیامده است. این مقام کمیسیون

حاصل بشیر رئیس جمهوری ترکمنستان به تهران

عقب نشینی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر

سفر مراد نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان هفته گذشته به همراه چند تن از وزیران و مسئولان سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، نفتی و صنعتی این کشور به ایران سفر کرد و دیدارهایی با سران جمهوری اسلامی انجام داد. در پایان این دیدارها چند صند همکاری درازمدت میان دو کشور در زمینه‌های اقتصادی آموزشی و ورزشی به امضاء رسید، اما مهم‌ترین موضوع مورد بحث، تبادل نظر در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران و نحوه استفاده از منابع آن و زمین زیر آن بود. خاتمی در جریان دیدارهای ایجاد منطقه‌ای امن در دریای مازندران و کشورهای ساحلی را از اصول مورد توجه رژیم دانست و خواستار آن شد که منابع عظیم آن به طور منصفانه و عادلانه در جهت رشد و پیشرفت تمامی کشورهای منطقه استفاده شود و بر این اساس هرچه سریع‌تر رژیم حقوقی دریای خزر مشخص شود تا امکان سوءاستفاده و بهره‌برداری غیرمنصفانه از این منابع برای هیچ کشوری نباشد.

نیازاف نیز در این دیدارها از یک سو از لزوم حل سریع رژیم حقوقی دریای خزر در جهت رعایت منافع تمام کشورهای ساحلی سخن گفت و از سوی دیگر خواستار آن شد که این دریا به صورت عادلانه و بازگانی و بحریمایی ایران و

آن سوی داستان صعود کوه نوردان ایرانی به اورست

صعود کوه‌نوردان ایرانی به اورست، تنها یک موفقیت بزرگ ورزشی نبود، وسیله‌ای شد که حکومت جمهوری اسلامی خودش را بیشتر برای مردم ایران و جهان تبلیغ کند. کوه‌نوردان را به ملاقات مقامات حکومت بردند و آقای خامنه‌ای نیز آنان را به حضور پذیرفت و در زمینه توجه جمهوری اسلامی به ورزش کوه‌نوردی سخن‌ها گفت. رئیس فدراسیون کوه‌نوردی، با «رسالت» آن سوی این داستان را بازگو نموده است. سرپرست تیم اعزامی به هیمالیا در خصوص هزینه سفر گفت: با طرح تفصیلی که تهیه شده بود و شامل هزینه اردوها، تدارکات عمومی، فنی و شخصی ما شد جمعا بالغ بر ۱۸۰ میلیون تومان، رسید که البته در مرحله اجرا هر چه تلاش کردیم تا از منابع دولتی نظیر سازمان برنامه و بودجه سازمان تربیت بدنی هزینه کنیم موفق نشدیم به همین دلیل مجبور شدیم هزینه‌ها را به حداقل ممکن برسانیم. رئیس فدراسیون در مورد نقاط ضعف و قوت صعود گفت: بچه‌های ما از نظر آمادگی بسیار عالی بودند به طوری که تمام کوه‌نوردان منطقه به قوی بودن آن اعتراف داشتند. صعود منظم بچه‌ها مثال‌زدنی بود. اعضا در بارگشی‌ها شرکت داشتند چیزی که در هیچ تیمی یافت نمی‌شد و ما از کمترین «شرط‌های» نیایی استفاده کردیم و در نهایت تیم ایران برای کمک به سایر تیم‌ها پیش قدم بود. اما نقاط ضعف را شاید امکانات

طرف‌داران خاتمی حزب تشکیل می‌دهند

روزنامه ابرار خبر داده است که محمد ابطحی، رئیس دفتر رئیس جمهور، در صدد تشکیل یک حزب تازه است. به نوشته این روزنامه ابطحی گفته است که هنوز سلسله مسایلی وجود دارند که باید پیش از اعلام تشکیل حزب حل شوند. ابطحی گفت: آقای خاتمی تصمیم گرفته است به این حزب نپیوندد، زیرا مقام وی ایجاب می‌کند که مافوق منافع گروهی باشد. در همین حال روزنامه جامعه از بروز اختلافات در میان کارگزاران سازندگی و «جناح چپ» خبر داده است. این روزنامه نوشت، ظاهراً این اختلاف نظرها ریشه در موضوع طرفین در قبال روی‌دادهای پس از دوم خرداد دارد. نه کارگزاران و نه «جناح چپ» که هر دو نیز ظاهراً طرف‌دار شفافیت و صراحت هستند، هنوز در مورد این اختلافات توضیحی نداده‌اند و همچنین معلوم نیست که تشکیل حزب رئیس جمهور تا چه حد به رشد این اختلافات مربوط می‌شود.

از آن سال‌ها

از ۱۷ تا ۳۱ تیر ۱۳۵۸

۱

بسیاری از منحر فین بطور مخفی با هم مجتمع میشوند

۱۱۱ بزرگوارم پیروزیمان با هر چه که کنیم تا مثل قلبه خنجر نفوذ که محتاج به خودکشی شد.

الان معلوم نیست با این توطئه‌ها که هست و با این تفرق‌ها که موجود شده است با این کارها که انجام می‌گیرد سرنوشتمان چه خواهد شد ما باید ببینیم تکلیفمان امروز چیست و اگر بخواهیم پیروزیمان به آخر برسد چه بکنیم تا مثل قضیه هیتلر نشود که محتاج به خودکشی شد.

کیهان، ۱۷ تیر ماه ۱۳۵۸

فصلنامه حقوقی و حقوقی
قانون‌مطلوبات بر مبنای همه‌نادهای آزادی
 و اصول دموکراسی
 تدوین میشود

کیهان، ۱۷ تیر ماه ۱۳۵۸

نامه مجاهدین خلق ایران به حضرت آیت‌الله خمینی

مجاهدین خلق طی نامه‌ای حضور امام، حادثه ۱۱ تیر قم را تشریح کرده و آن را محکوم کردند. در این نامه آمده است: پدر بزرگوار حضرت آیت‌الله‌العلوی امام خمینی نمی‌دانیم که آیا شما به طور کامل در جریان تحریکات وسیعی که این روزها در سراسر کشور و از جمله در قم بر علیه مجاهدین خلق ایران در جریان است مطلعید یا خیر. البته ما پیوسته بر این اعتقاد بوده‌ایم که نمی‌بایست برای امور جزئی مزاحم اوقات شما شد، لکن به نظر می‌رسد که تحریکات مورد بحث آنچنان گسترده و خطرناک است و آنچنان با سرنوشت انقلاب ما پیوند خورده است که هیچ گریزی از معروض داشتن آن به حضرت شما نیست.

کیهان، ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دولت درباره تظاهرات و تحصن و تحسن
جزئیات ۱۰ ساعت نبرد مسلحانه در مرویان
 در مرویان نبرد ۱۰ ساعته مسلحانه در مرویان

کیهان، ۲۴ تیر ماه ۱۳۵۸

درداد گاه سعادت می شوکت نمی کنیم
 دکتر لاهیجی وکیل سعادت: در دادگاه سعادت می شوکت نمی کنیم

دکتر لاهیجی وکیل سعادت: در دادگاه سعادت می شوکت نمی کنیم
 دکتر عبدالکریم لاهیجی که از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران برای دفاع از محمدرضا سعادت معرفی شده است، دیروز طی تلگرامی به دادستان انقلاب تهران دادگاه سعادت را به دلیل مورد انتقاد و ایراد قرار داد. دکتر لاهیجی طی همین تلگراف درخواست کرد که محاکمه موکلش در دادگستری انجام گیرد تا او بتواند قبل از محاکمه با سعادت از دادگاه گفتگو کند.

کیهان ۲۴ تیر ماه ۱۳۵۸

خرس وحشی یک دختر چهار ساله را درید

در یک حادثه دردناک در باغ وحش بندر عباس، یک خرس وحشی، دختر چهار ساله‌ای را در برابر چشمان برادرش از هم درید. به گفته شاهدان عینی، سمیرا احمدی که همراه با برادر خود به قصد گردش به این باغ وحش رفته بود، هنگامی که می‌خواست از کنار قفس خرس بگذرد، مورد حمله او قرار گرفت. خرس وحشی در حالی که گلوئی این دختر بچه را می‌فشرد او را به زمین و هوا پرتاب می‌کرد. داریوش احمدی برادر این دختر، در حالی که اشک می‌ریخت، به خبرنگار روزنامه همشهری گفت: حوالی ساعت ۱۲ ظهر هنگامی که برای خواهرم از کنار قفس خرس عبور می‌کرد، خرس از دریاچه قفسی که برای او غذا می‌برند، پای خواهرم را گرفت و او را به داخل قفس کشانند. وی گفت: بسا داد و فریاد ننگبانان باغ وحش را خیر کردم و آن‌ها با چوب و بیل به طرف قفس خرس هجوم بردند، اما تلاش آنان برای جدا کردن خواهرم از دهان خرس و نجات جان وی بی‌نتیجه ماند. مدیر عامل آتش نشانی بندر عباس در این باره گفت: بلافاصله بعد از اطلاع از واقعه، یک گروه امدادی به باغ وحش اعزام شد. ماموران امدادی به وسیله آب‌پاش، جسد تکه تکه شده این کودک را از دهان خرس جدا کردند.

مقاله فوق در شماره ۹ هفته نامه «راه نو» در تاریخ ۳۰ خرداد به چاپ رسیده است. این هفته نامه به مدیریت اکبر گنجی در تهران انتشار می یابد.

اشاره: ادامه حملات مخالفان جنبش جامعه مدنی که اکنون خود را در شکل تعطیلی روزنامه ها (جامعه، گزارش روز)، محاکمه شهردار، استیضاح وزیر کشور و ادامه حملات تبلیغاتی به مواضع و خواسته های جنبش نشان می دهد. چند واقعه ای است که دستمایه نگاه یادداشت حاضر قرار گرفته است.

رویدادهای اخیر پرسشهایی را در میان هواداران جنبش جامعه مدنی ایران برانگیخته است. آنان - گاه با نگرانی - از خود می پرسند آیا این رخدادها نشانه هایی از آغاز یک هجوم سازمان یافته جهت سرکوب حقوق و آزادیهای مدنی نیست؟ آیا آن دسته از صاحب منصبان نظامی که آنکشت بر ماشه در انتظار «اشاره» صاحب منصبان سیاسی برای چکاندن اسلحه ها هستند، این وقایع را آغاز سلسله ای از آن «اشاره» ها نخواهند گرفت؟ آیا «بهار تهران» نیز با همان سرعت که آغاز شد در حال پایان گرفتن نیست؟

برای روشن شدن نوع و میزان نگرانیها بهتر است نیم نگاهی به پشت و روی صحنه رویدادهای اخیر بیندازیم. منظور از روی صحنه، همان جامعه ای است که بازگری می کند، و به اصطلاح فنی تر آن را «جامعه مدنی» می نامند. پشت صحنه نیز بازیگران عرصه سیاست و صاحبان قدرت قرار گرفته اند که به اصطلاح فنی آن را «عرصه سیاسی» یا «جامعه سیاسی» (Polity) می نامند. بر خلاف صحنه نمایش، در صورتی که جامعه مدنی قدرتمند باشد و بازی خود را به نمایش بگذارد، گردانندگان پشت صحنه قادر نخواهند بود تمام متویات و فرمانهای خود را عملی کنند، زیرا بازیگران روی صحنه از خود اختیار و ابتکار دارند و

ادامه از صفحه ۱۲

این کشورها را در دست خود داشته باشند. در صورت ناتوانی سعی می کنند شریک اصلی غربی ها در بهره برداری از منابع کشورهای تازه استقلال یافته شوند و اگر در این عرصه نیز موفق نشوند با کارت ایران بازی می کنند و تلاش می کنند با آوردن ایران به میدان بازی، جبهه خودشان را در مقابل آمریکا تقویت کنند. بدین جهت طرح های پیشنهادی می کنند و یا از طرح هایی حمایت می کنند که ایران یک پای قویه در آن باشد.

البته روس ها آخرین برگ خود را همچنان در دست نگه می دارند. و آن هم برهم زدن ثبات منطقه در صورت ناکامی تمام نقشه هایشان می باشد که با استفاده از نفوذ سنتی خودشان در این نواحی، به راحتی قادر به این عمل می باشند.

روس ها از منافع خودشان دفاع می کنند. اما باید دید سیاستمداران جمهوری اسلامی نیز قادرند از منافع مردم ایران دفاع کنند؟ موضوع «نظام حقوقی دریای خزر» نشان داد که سیاست جمهوری اسلامی در این منطقه که برای مبارزه با نفوذ آمریکا و بر اساس همکاری استراتژیک با روسیه شکل گرفته، درست نبود و ایران بازی را پایخته است.

در گذشته دریای خزر مشکل حقوقی چندانی نداشت و اختلافات موجود در ایران و شوروی بین خودشان حل می کردند. اما طی هفت سال گذشته که کشورهای جدیدی در حوزه دریای خزر به استقلال رسیدند، نظام حقوقی این دریای بسته پیچیده تر شد. آذربایجان از آغاز معتقد بود که دریای خزر باید بین پنج کشور ساحلی آن تقسیم شود و هر کشوری انتظار که دلش می خواهد از منطقه خود بهره برداری کند. اما روسیه و ایران این تقسیم بندی را مغایر با عرف بین المللی می دانستند. به نظر آنها هر کشور می بایست از یک منطقه انحصاری برخوردار شود و مساحت باقی مانده بر اساس مسالکات مشترک اداره شود. کشورهای ترکمنستان و قزاقستان نیز مواضع ثابتی نداشتند تا اینکه در ماه آوریل سال جاری، سلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان، بعد از ملاقات با یلئین اعلام کرد که دو کشور بر سر تقسیم دریای خزر میان کشورهای ساحلی به توافق رسیده اند. و بدین ترتیب با تغییر موضع مسکو در این قضیه، ایران تنها ماند و آقازاده، وزیر نفت ایران، بعد از دیدار از مسکو دریافت که ایران در این نبرد شکست خورده است.

در مورد ذخایر نفت و گاز حوزه دریای خزر، نظریات متفاوت است. بعضی ها آنجا را «الدورادو»ی جدید و بعضی دیگر سراپی بیش نمی دانند. اما آمار نشان می دهد که مجموع نفت و گاز کشف شده در این منطقه، معادل دود درصد

پشت و روی صحنه سیاست

بهروز ناظر - هفته نامه «راه نو»

«گاد» گردانندگان پشت صحنه را - در نتیجه بازی خود بر روی صحنه - در سنگت فشار تصمیماتی می گذارند که چندان هم دلخواه آنان نیست. در جامعه ای که از لحاظ سیاسی توسعه یافته باشد، آن «گاد» تبدیل به «اغلب» و «همیشه» می شود و این «جامعه سیاسی» است که فرمانبر خاسته های «جامعه مدنی» می گردد. در روی صحنه به نظر می رسد که بازی می رود تا به سود مخالفان جنبش تمام شود. هجومی دائمی به دروازه آزادیهای سیاسی و مدنی و گللهای چندی که احياناً در رویدادهای اخیر به ثمر رسیده، این نگرانی را به بار آورده که بازی با همین نتیجه پایان بگیرد. اما چنان که گفته اند بازی - لااقل بازی فوتبال - نود دقیقه تمام است و تنها در پایان بازی می توان از نتیجه مطمئن شد! به علاوه باید همواره به خاطر داشت که نتیجه بازی کمتر از برقراری خود بازی اهمیت دارد. اگر مخالفان گللهای خود را مطابق قواعد بازی و در داخل بازی به ثمر برسانند، چرا باید - حتی با باخت - نگران بود؟ نگرانی وقتی جا دارد که بخواهند بازی را برچینند. گللهای خورده، نتیجه بی توجهی به شیوه های بازی است. اگر دفاع استحکام نیابد، حملات بی مهابا به دروازه مخالفان گللهای بیشتری را به تور دروازه جنبش خواهند دوخت. آنچه روی صحنه اتفاق افتاده این است که روزنامه های جامعه و گزارش روز مطابق موازین قانونی حکم به تعطیل گرفته اند. البته در مورد حکم دادگاه روزنامه جامعه ایرادات عرفی و قانونی متعددی وارد است. اما این

ایرادات جنبه فنی دارد، نه اصولی. به علاوه راه قانونی برای مخالفت با آن هم گمان کار باز است. در عوض آنچه مخالفان انجام داده اند، جای امیدواری دارد، چرا که به جای کردن زدن با شمشیر، به دادگاه پناه برده اند و از قانون استمداد کرده اند. در مورد روزنامه گزارش روز هم هیات نظارت بر مطبوعات، خوشبختانه برخلاف رویه های غیر قانونی قبلی، کار را به دادگاه احاله داده و خود از تکیه زدن بر جایگاه قضاوت پرهیز کرده است. در مورد اصل تشکیل دادگاه غلامحسین کرپاسچی مساله روشتر است و بیشتر در باره آن نکاتی گفته شده است. استیضاح وزیر کشور چنانچه می دانیم بر حسب حقوق قانونی نمایندگان انجام می شود و به علاوه به نظر می رسد از نظر سیاسی بیشتر به سود جنبش تمام خواهد شد تا به سود مخالفان آن؟

ممکن است برخی با قبول این نظر که اقدامات مخالفان در بستن روزنامه ها، به دادگاه بردن شهردار و به استیضاح کشاندن وزیر کشور، مطابق روالهای قانونی بوده است، بگویند این اقدامات اما، زمینه چینی برای اقدامات بعدی است که دیگر معلوم نیست مطابق قواعد بازی پیش برود و بلکه اقدامی خواهد بود برای ختم بازی و منتاسب با شیوه های سرکوبگرانه نظامی و شبه نظامی. البته این نگرانی را - از جنبی - باید تصدیق کرد. چرا که مخالفان جنبش نشان داده اند عموماً علاقه ای به بازی و قاعده بازی و حسابگرانه عقلانی ندارند و صرفاً دلنگران نتیجه بازی اند و هرگاه

کمترین احساس باخت را تجربه کنند، بازی را به هم خواهند زد.

وضعیت پشت صحنه - به همان دلیل پشت صحنه بودن - چندان روشن نیست. دولت، سیاست پرهیز از تشنج را با سیاست سکوت یکسان می انگارد و در نتیجه از هرگونه ابتکار عمل سیاسی مشخص قاصه گرفته است. سکوت دولت عملاً به سربر آوردن دولت هایی در دورن دولت انجامیده است: هنگامی که سران نظامی نه تنها سخنان تهیدید آمیز خود را پس نگرفته، که آشکارا آن را تکرار می کنند، هنگامی که حتی به صراحت از تلاش برای پایان دادن به بازی حاکمیت قانون سخن می گویند و اینکه قانون تنها ابزاری برای بیرون کشیدن مارهای مخالف از سوراخپایشان است و نیز سخنان خود را به صاحبان اصلی قدرت نسبت می دهند و آنان نیز در این باره سکوت پیشه می کنند، هنگامی که نیروی اطلاعاتی و امنیتی و پلیسی چنانکه باید، در اختیار دولت نیست، جز از چند دولت نمی توان سخن گفت.

سکوت دولت را باید ضعف در برابر مخالفان اصولی تعبیر کرد، نه نشان دادن متانت سیاسی. در واقع به نظر می رسد سکوت دولت نشانه دادوستدهای پنهان با دیگر صاحبان قدرت است و دولت در واقع به «بازار سیاه» سیاست روی آورده است. اما چنانکه می دانیم در این بازار، قیمت افکار و اقدامات بر حسب عرضه و تقاضای واقعی تنظیم نمی شود، بلکه قدرت تعیین کننده نهایی قیمتت است و از آنجا که دولت، قدرت اصلی به حساب نمی آید، پیوسته

در سال ۱۹۹۷ چهار کشور گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مدلاوی یک توافق ضمنی بین خودشان به وجود آوردند تا با دخالت روس ها در امور داخلی شان مبارزه کنند. هر چهار کشور با جریانات تجزیه طلبی مواجه هستند که روسیه کاملاً پشت آن ها است که عبارتند از ترانس نیستری، کریمه، ابخازی و اوسه تی جنوبی و قریباً.

ایران که در آغاز استقلال این کشورها از محبوبیت بی نظیری در میان مردم این نواحی برخوردار شده بود، به تدریج اعتبار خود را از دست داد تا آنجا که اکنون در این کشورها نوعی آنتی پاتی نسبت به ایران وجود دارد. کشورهای آسیای مرکزی مشکلات اقتصادی خود را از چشم ایران می بینند. آنها چشم امیدشان به ایران بود که از طریق ایران با دنیا رابطه برقرار می سازند، ولی اکنون بین ایران و روسیه حبس شده اند. طی هفت سال گذشته به خاطر همکاری ایران با روسیه و دشمنی اش با آمریکا، کشورهای تازه استقلال یافته در شمال ایران نتوانستند از منابع طبیعی خودشان بهره برداری نمایند.

اهمیت درآمد ترانزیت کشورهای حوزه دریای خزر برای ایران از نفت و گاز این کشورها مهم تر است. زیرا عبور شادولوها از ایران ضمن ایجاد منافع اقتصادی دائمی، پیوندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بین ایران و کشورهای همسایه شمالی که در حوزه فرهنگ ایرانی قرار دارند، تقویت می کند و باعث اعتلای متقابل فرهنگ ها می گردد. افسوس که سران جمهوری اسلامی به بهانه مبارزه با تهاجم فرهنگی، عملاً باعث فقر فرهنگی در جامعه می شوند و تهدید به زبان بردن می کنند.

کشورهای تازه استقلال یافته برای برآورده کردن نیازهای اقتصادی خود احتیاج به فروش نفت و گاز طبیعی دارند. اتحادیه اروپا و آمریکا نیز مشتری نفت قفقاز و آسیای مرکزی هستند. به دلیل راه نداشتن این کشورها به دریای آزاد، تنها راه بهره برداری از نفت و گاز آنها، کشیدن شادولوها های نفت و گاز به بنادر دریاهای آزاد می باشد. کشورهایی که سرراه قرار گرفته اند برای انتخاب شدن با هم به رقابت سختی دست زده اند. روسیه، ایران، ترکیه و افغانستان؛ همسایگان و نیز حاکمان سابقشان از موضع قدرت مذاکره نمایند. مخصوصاً آنها می خواهند جذب قطب روسیه شوند. بدین جهت روس ها برای به زانو در آوردن این کشورها، جنبش های تجزیه طلبی درون آنها را تقویت می کنند.

جمه طرحی که از طریق ایران به ترکیه می رود. زیرا مسیر ایران نزدیک ترین راه تا بندر جی هان در ترکیه است که کنار دریای مدیترانه واقع شده است. مدافعین این طرح می گویند که انجام این طرح توسط شرکت های آمریکایی مانع نزدیک تر شدن روسیه، ایران و ارمنستان خواهد شد.

ارمنستان بعد از جنگ قریباً به شریک اقتصادی ممتاز تهران شده است. شایان ذکر است که با پیاده شدن طرح (TRALECA) ارمنستان منزوی خواهد شد و این در حالی است که اکثریت کارشناسان بین المللی به دنبال یافتن راهی هستند که روابط ارمنستان را با کشورهای غربی محکم تر بکند و البته این امر مستلزم آن است که راه حل قابل قبول برای باکو و ایران بر سر مسئله قریباً پیدا شود.

تروسیان، رئیس جمهور مستعفی ارمنستان، طرح خودمختاری کامل قریباً را پذیرفته و خواستار مصالحه با آذربایجان بود، ولی موفق نشد. پتروسیان در مقاله پر سر و صدائی که قبل از استعفاش در پرتیوایرترین روزنامه ایروان منتشر کرد، نوشت: «بالاخره تا چه زمانی این دیوانگی می خورد فیصی بازیچه دست روسیه و یا یک کشور دیگر شدن، به صورت طرز زندگی ارمنی ها باقی خواهد ماند؟»

نبرد همه جانبه ای بر سر راه های ارتباطی و بهره برداری از ثروت های منطقه خزر آغاز شده است و بر عملی در این مورد منجاز شمرده می شود، که بی ثبات کردن شرق، جنگ بر سر اعتبارات مالی و دامیننگ از آن جمله اند. حتی پیشنهاد کردن طرح هایی که کسی نمی داند تا چه اندازه واقعی یا بلوف سیاسی هستند، محتمل است.

اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا علیرغم اختلاف منافع، استراتژی سیاسی و اقتصادی حساب شده ای را به طور سیستماتیک در کشورهای تازه استقلال یافته پیش می برند. در این میان روسیه و ایران در ارزیابی توان و اعتلای اقتصادی این کشورها دچار اشتباه محاسبه شده اند. از سال ۱۹۹۶-۱۹۹۵ اغلب این کشورها روی غلطک رشد افتاده اند. آنها می دانند چگونه حمایت تقویتی غرب را به کار گیرند و نیز چگونه با هم متحد شوند تا با همسایگان و نیز حاکمان سابقشان از موضع قدرت مذاکره نمایند. مخصوصاً آنها می خواهند جذب قطب روسیه شوند. بدین جهت روس ها برای به زانو در آوردن این کشورها، جنبش های تجزیه طلبی درون آنها را تقویت می کنند.

باید گران بخرد و ارزان بفروشد و پیداست که عاقبت چنین دادوستدی اگر ورشکستگی نباشد، مطمئناً قدرتمندی نخواهد بود. آیا بهتر نیست دولت به یاد آورد که خود حاصل اوج گیری جنبی بزرگ بوده است و با به میدان آوردن تقاضاهای این جنبش در بازار آزاد جامعه دادوستدی پرسودتر خواهد داشت؟

پرسش مهم اما، اکنون، این است: آیا باید همه امید را به دولت بست تا شاید روزی عزم سیاسی لازم را برای توسل به اقدامها و ابتکار عملهای سیاسی مناسب جزم کند و بتواند نیروهای خارج از حیطه قدرت خود را در تمکین و ادارد؟ آیا اقدامات پشت صحنه و به عرصه سیاسی همه آن کارهایی است که برای پاسداشت دستاورهای جنبش جامعه مدنی می توان انجام داد؟ آیا جز چانه زنی های عرصه سیاسی راه دیگری برای کاهش امکان توسل به سرکوب وجود ندارد؟

پاسخ این پرسش در متن جنبش آرمیده است: کافی است به یاد بیاوریم که حضور خواسته ها و تقاضاهای این جنبش بود که در دوم خرداد یک سال قبل هزینه اقدامات متقیانه به نفع قدرت را چنان بالا برد که برای مخالفان، دیگر توسل به آن باصرفه نبود. اکنون نیز این تقاضاهای جامعه مدنی است که می تواند به عنوان موثرترین عامل بازدارنده در قابل اقدامات سرکوبگرانه عمل کند. اگر هزینه سرکوب برای متولیان آن چنان بالا رود که پرداخت قیمت آن از عهده ایشان بر نیاید، احتمال توسل به آن نیز کاهش خواهد یافت. این قیمت و وقتی بالا خواهد رفت که مردم و نخبگان از همه تقاضاهای مدنیشان به شکلی مدنی دفاع کنند و ظرفیت بازی سیاست را لحاظ کنند. اما مادام که امید به پشت صحنه باشد، روی صحنه فرمانبر پشت صحنه خواهد بود. جنبش جامعه مدنی وقتی توفیق می یابد که پشت صحنه را فرمانبر بازیگرهای خود کند.

ایران از هر نظر برای عبور دادن این شادولوها مناسب تر است و تنها مانع بزرگ در این راه اختلاف ایران با آمریکا است. شرط موفقیت ایران در جنگ شادولوها بر طرف کردن مواضع موجود سیاسی در رابطه با آمریکا می باشد.

به نظر می رسد که شرایط زمانی و شرایط سیاسی برای عادی شدن روابط دو کشور فراهم شده است. ایالات متحده آمریکا برای آنکه ابتکار عمل را در دست گیرد و نیز برای اینکه بازار شصت میلیونی ایران را به نفع اتحادیه اروپا از دست ندهد، پیشقدم شده و خواستار عادی سازی روابط شده است. و اگر ایران به موقع جواب مناسب ندهد، نه تنها در جنگ شادولوها شکست خواهد خورد، بلکه در موضوع «نظام حقوقی دریای خزر» نیز بازنده اصلی خواهد بود.

متاسفانه سران جمهوری اسلامی در گذشته با شعار غیر منطقی «حزب الله میمیرد، سازش نمی پذیرد»، فرصت های طلانی را از دست داده اند. طبیعی ایران است که برای حفظ استقلال و دفاع از منافع مردم ایران، از اختلافات موجود بین روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا بهره برداری کند. اما این امر مستلزم داشتن رابطه معقول با آن کشورهاست.

بی شک راست ترین نیروها در ایران و آمریکا مخالف عادی سازی روابط می باشند. اما ملت ها دوستان دائمی و دشمنان دائمی ندارند. بلکه منافع دائمی دارند که راهنمای عمل سیاستمداران در تصمیم گیری های مهم می باشد.

اکنون اگر شادولوها از ایران عبور نکنند و در تقسیم دریای خزر نیز سر ایران بی کلاه بماند، نه تنها نسل های آینده ایران از حق ترانزیت کلانی محروم خواهند شد، بلکه موقعیت ژئواستراتژیک ایران باز سخت لطمه خواهد خورد.

طی سال های اخیر اوضاع سیاسی منطقه کاملاً دگرگون شده است. ترکیه با اسرائیل و آمریکا مانور نظامی مشترک انجام می دهد، هند و پاکستان بمب اتمی منفجر می کنند کشورهای غربی به هم دیگر نزدیک می شوند و همسایه های شمالی ایران هویت واقعی خود را باز می یابند و در شادراه ترقی قرار می گیرند. در چنین اوضاع و احوالی شکاری دادن و دشمن تراشیدن کاری از پیش نمی برد. جامعه ایران تشنه تحول در تمام زمینه های حیات اقتصادی و سیاسی خویش است. بنابراین تشنه زدن در روابط بین المللی که یکی از شعارهای انتخاباتی محمد خاتمی بود، هرچه زودتر باید عملی شود، تا خطراتی که منافع درازمدت مردم ایران را تهدید می کند، از بین برون.

سی ام ژوئن - پاریس

آیا اندیشه سوسیالیستی هنوز آینده دارد؟ به یقین پاسخ به این سوال به سادگی امکان پذیر نیست. از این رو، سعی می‌شود که این مسئله از دیدگاه بسیار گسترده‌ای طرح و بررسی شود. اساس بحث این مقاله بر محور تعریف مفهوم آزادی سوسیالیستی، مصادیق آن از مفهوم آزادی لیبرالی و دموکراتیک آن خواهد بود. از این رو می‌کوشم تا در این مقاله درباره مفهوم آزادی را آنطور که مارکس بررسی کرده بسط دهم تا جنبه‌هایی که به نظر من هنوز معتبرند و جنبه‌هایی که به عکس واقعاً از اعتبار افتاده‌اند روشن گردد. تئوری‌های آزادی سیاسی، یعنی تئوری آزادی جمعی به یقین می‌توانند به شیوه‌های بسیار گوناگون طبقه‌بندی شوند. مثلاً یکی از طبقه‌بندی‌های بسیار مناسب طبقه‌بندی است که آن را در دو شکل آزادی مثبت و آزادی منفی از یکدیگر متمایز می‌کند. این تمایز مخصوصاً در دهه‌های اخیر از جانب اندیشمندان لیبرال چون **ایزایا برلین** نویسنده نامدار «تامل در باره دو مفهوم آزادی» و **نوربرتو بووبیو** تأیید و پشتیبانی شده است. از دید این نویسندگان آزادی منفی باید بطور اساسی به مثابه نبود موانع فهمیده شود: یعنی یک جمعواره هنگامی آزاد است که هر کس بتواند با کمترین دخالت دیگری و قدرت عمومی صاحب اختیار خویشتن و «دورایی»‌های خویش (به گفته **لاک**) باشد. به عقیده برلین مدافع آزادی منفی به سوال «چه کسی باید فرمان براند» توجه ندارند، بلکه محور بحث‌هایشان بیشتر بر سوال در چه قلمروهایی (بی دخالت دیگران) فرمانروایم متمرکز است. در واقع آزادی (منفی) از این دیدگاه حیطه عرصه‌ای است که من به تنهایی در آن فرمانروایم، بی آنکه به کسی در برابر گزینش‌های خود جوابگو باشم. بنابراین، اندیشه آزادی منفی دکترین دولت حداقل را توجیه می‌کند. این مسئله اساس اندیشه‌ای است که اندیشمندان لیبرالیسم کلاسیک از **لاک تا کنستان** و **استوارت میل** به آن پرداخته‌اند. بر عکس، به عقیده بووبیو این دو نوع آزادی در اندیشه کانت وجود دارد. در حقیقت تفکیک آزادی مثبت و آزادی منفی دوره جدیدی را مشخص می‌کند که بنیادین **کنستان** از آن به عنوان آزادی **گذشتگان** و آزادی **معاصران** یاد کرده است. یعنی آزادی معاصران، آزادی پیرمندی‌های خصوصی است؛ در صورتی که آزادی **گذشتگان** مشارکت در قدرت سیاسی بوده است. در واقع آزادی مثبت از نظر بووبیو به مثابه «قدرت تسکین نکردن به قاعده‌های جز آن قاعده‌ها که من خود خویشتن را ملزم به رعایت آنها کرده‌ام» تعریف شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که آزادی دموکراتیک همانطور که در اندیشه‌های روسو و آدامز است «اطاعت از قانونی که برخود فرض دانسته‌ایم». رویهم رفته، تمایز بین آزادی منفی و آزادی مثبت انتی‌تزی میان آزادی لیبرالی و آزادی دموکراتیک را در بیان می‌آورد. تاریخ اندیشه سیاسی مدرن دلیل‌های زیادی در این زمینه ارائه کرده است. با این همه، بنظر من، این تمایز میان آزادی منفی و آزادی مثبت نمی‌تواند بدون انتقاد پذیرفته شود. آیا واقعاً دو نوع آزادی چنین متمایز از یکدیگر وجود دارد؟ دست کم آیا نباید بیشتر پیرامون مفهومی به بررسی پرداخت که مسئله آزادی را حتی اگر تفسیرهای گوناگونی را در جریان مبارزهای اجتماعی و سیاسی برانگیزد، مفهومی یگانه نشان می‌دهد؟ بنظر من، فرض دوم قانع‌کننده‌تر است. من می‌کوشم از دو نظر دفاع کنم: نظر نخست این است که دقیقاً نمی‌توان آزادی منفی را نقطه مقابل آزادی مثبت دانست، چرا که این افتراق ارزش‌ایدئولوژیک و غیر تئوریک دارد. نکته دومی که می‌خواهم تصریح کنم این است که اگر بخواهیم به تغییر شکل‌های تاریخی مفهوم آزادی نظر افکنیم شایسته است که آن را نه در دو وجه بلکه در سه وجه متمایز کنیم که عبارتست از: مفهوم لیبرالی، مفهوم دموکراتیک و مفهوم سوسیالیستی آزادی. بر این اساس لازم است نقطه‌های اشتراک و همین‌طور نقطه‌های افتراق و متضاد اصلی را بررسی کنیم.

انتقاد از آزادی منفی

در واقع، هواداران از اختلاف بنیادی میان آزادی منفی و آزادی مثبت اعلام می‌دارند که آزادی می‌تواند دو چیز بسیار متفاوت معنی دهد. از یک سو، نبود موانع و محدودیت‌های مخالف رفتارها و اعمال فردی توسط دیگران یا قدرت‌های عمومی از سوی دیگر، درجه مشارکت فرد در قدرت عمومی و تعیین تصمیم یا قانون‌های الزام‌آور برای همه. هر قدر قلمرو فعالیت تابع قدرت عمومی (دولت) محدود باشد، عرصه آزاد (عبرصه بی مانع) برای عموم وسیع‌تر است. دقیقاً دامن و وسعت این عرصه است که مقیاس آزادی منفی را نمایش می‌دهد. اما چرا نمی‌توان از این تزی به راحتی دفاع کرد؟ به نظر من، نخستین نقطه ضعف این تزی در مفهوم نبود محدودیت، یعنی «نبود مانع» است. چرا که خارج کردن کامل برخی حوزه‌ها از تصمیم‌گیری عمومی (مانند قلمرو مالکیت و

قلمرو اعتقادهای دینی) نه تنها باعث گسترش آزادی افراد و از بین بردن موانع برای آنها نمی‌شود، بلکه تنها مانع‌ها جابجا می‌شوند، ولی از بین نمی‌روند. برای روشن گرداندن این موضوع مثلاً می‌توان به حمایت مطلق لیبرالیسم افراطی از حق مالکیت اشاره کرد. مقدس بودن حق مالکیت (که با اندیشه آزادی منفی مطابقت دارد) چیزی جز ایجاد مانع برای دست یافتن به ثروت‌ها و نعمت‌های موجود برای کسی که مالک نیست، معنی نمی‌دهد. می‌توان به ریشخند گفت که هر مالک خود را «ممنوع از دسترس» می‌داند. با این که این موضوع کمتر واضح بنظر می‌رسد. می‌توان گفت که حتی آزادی مذهب شامل شکلی از ممنوعیت است. این آزادی مانع ازبیت و آزار بی‌دینان و نامعتقدان می‌گردد. و از این رو، از رفتارهایی که امروز بنظر ما کاملاً مستبدانه است، جلوگیری می‌کند. در صورتی که این رفتارها در دوران‌های بسیار طولانی تاریخ بشری امری طبیعی و بدیهی بود. بنا بر این، به عقیده من آزادی‌هایی وجود ندارد که بتوان بطور ویژه آن را آزادی «بی مانع» تعریف کرد. پس می‌توان گفت که مجاز و ممنوع دو وجه جدایی ناپذیر هر نظم هنجاری هستند. از این رو، آزادی‌های لیبرالی برای افراد کمتر از آزادی‌های دموکراتیک محدودیت برقرار نمی‌کند. آنها فقط این ممنوعیت‌ها را جابجا می‌کنند و آنها را برای افراد مختلف بکار می‌بندند. با این همه، می‌توان بدون توسل به مفهوم اسلوبی «نبود مانع» از مفهوم آزادی منفی آنطور که متمایز از آزادی مثبت درک می‌شود، دفاع کرد. به‌طور مثال می‌توان گفت که عرصه آزادی منفی که در آن فرد تنها تصمیم می‌گیرد و به همان اندازه عرصه آزادی مثبت که منوط به تصمیم‌گیری عمومی است، گسترده است. بدین ترتیب، ما باز خود را در برابر دو نوع آزادی از بنیاد متمایز از یکدیگر، می‌بینیم که یکی افزایش قلمرو تصمیم‌های فردی و دیگری افزایش قلمرو تصمیم‌های جمعی را خواستار است. مثلاً در کشورهای غربی در حالی که فرد برای محل اقامت خود به تنهایی تصمیم می‌گیرد، دولت نیز باید در مورد وجوهی که برای تأمین اجتماعی اختصاص می‌دهد، به‌طور دموکراتیک تصمیم بگیرد. اما مسئله توسعه قلمرویی که فرد در آن تصمیم می‌گیرد، در چه مفهومی می‌توان به عنوان افزایش آزادی، حتی در ارتباط با آزادی منفی درک و فهمیده شود؟ برای پاسخ درست به این مسئله، نخست باید به این پرسش مقدماتی پرداخت که چه کسی مرز میان قلمرو تصمیم‌های جمعی و قلمرویی را که در آن، فرد به تنهایی مختار و فرمانرواست، تعیین می‌کند؟ اگر این مرز بندی از تصمیم مشترک، یعنی از وفای عمومی سرچشمه گیرد، در این صورت گفتگو در باره مفهوم آزادی منفی این‌جا مناسب نیست؛ زیرا تعیین قلمرو خصوصی تنها بر پایه عمل مستقل افراد صورت می‌گیرد. پس ما به لحاظ شرکت همه در تصمیم‌های مشترک و عمومی باید به عرصه آزادی مثبت بازگردیم. برعکس، اگر این تصمیم‌ها خارج از دایره وفاق و تصمیم‌های افراد باشد (تصمیمی که می‌تواند یکی به تنهایی بگیرد و امری از قانونی داشته باشد)، یعنی اگر محدودیت‌ها به اختیار شخصی یا به شیوه ناموجه برقرار گردد، در این صورت سخن گفتن از «آزادی» بی‌معناست. آزادی یک جامعه (یعنی آزادی سیاسی)، در حقیقت، باید آزادی همه عضوهایی تشکیل‌دهنده آن باشد. به عبارت دیگر، این آزادی باید آزادی برابر باشد. برای من قابل درک نیست که چگونه ممکن است از «آزادی» سخن گفت، در حالی که برای حق برابر جهت انتخاب‌های اساسی، (یعنی انتخاب‌هایی که عرصه و محدود تصمیم‌های مشترک را معین می‌کنند) ارزش قابل نشد. به نظر من نمی‌توان پذیرفت که «آزادی منفی» به نسبت گسترش قلمرویی که افراد بدون در نظر گرفتن دیگران، در آن به تنهایی تصمیم می‌گیرند، افزایش می‌یابد و از طرفی هم مرگه این قلمرو مشترکاً به وسیله همه افراد سرنگردد، در این صورت ما به آزادی مثبت باز می‌گردیم. اما اگر قلمرو یاد شده به اراده شخصی معین شود، نه تنها باعث افزایش آزادی منفی برای افراد نمی‌شود، که در این صورت افرادی از آن برخوردار می‌شوند که با آن سروکار دارند، بلکه برعکس این دفاع از آزادی عدل‌های و نفع آزادی دیگران خواهد. بنابراین، به عقیده من، تعریف «آزادی منفی» به عنوان نبود مانع به گسترش عرصه‌ای که فرد می‌تواند به تنهایی در آن تصمیم بگیرد، نمی‌تواند مفهومی دقیقی باشد. کوتاه سخن، همانطور که کوشیده‌ام در این باره توضیح دهم: ۱- آزادی منفی به معنی نبود مانع نیست. ۲- گسترش قلمرویی که در آن فرد تنها تصمیم می‌گیرد، اگر مبتنی بر وفاق یا تعیین وضعیت مشترک نباشد، به معنی افزایش آزادی نیست، بلکه فقط آزادی برخی‌ها را به زیان دیگران تأمین می‌کند. بنا بر این، اگر دو مفهوم از آزادی، یکی مثبت و دیگری منفی وجود ندارد، پس در تاریخ اندیشه سیاسی معاصر فقط یک مفهوم از

سه مفهوم در پاره آزادی: لیبرالی، دموکراتیک و سوسیالیستی

استفانو پتروسینی برگردان: ب. کیوان

سه مفهوم در باره آزادی

طبیعتاً هر کوشش برای طرح یک طبقه‌بندی از این نوع می‌تواند در معرض ایرادهای زیادی قرار گیرد. گمان می‌کنم کنار گذاشتن سوخت خصصت مشخص و نتیجه‌های منطقی مضمون‌های تاریخی بتواند در کوشش برای تعریف دریافتهای مختلف آزادی، طبق اصول اساسی‌شان مفید باشد. مثلاً به عنوان یک تعریف مناسب در باره آزادی لیبرالی می‌توان تعریفی را پذیرفت که در اعلامیه حقوق بشر و شهورن ۱۷۸۹ (که مارکس در کتاب «مسئله یهود» از آن انتقاد کرد) وجود دارد: «آزادی عبارت از اختیار انجام هر آنچه که به دیگران زیان نرساند. کاربرد حقوق طبیعی هر انسان در حدودی که آن‌ها برخوردار از همان حقوق را برای دیگر اعضای جامعه تأمین می‌کنند، حد و مرز ندارد. این حد و مرزها فقط به وسیله قانون تعیین می‌شود» (ماده ۴). تعریفی که در پارهای صفحه‌های آثار کانت دیده می‌شود، مشابه آن است. این تعریف مورد توجه هگل قرار گرفت و آن را به نقد کشید. به عقیده من، یک خصوصیت ویژه آزادی لیبرالی، دست‌کم در زمینه اصول، همان ضرورت **برابری حقوق** است که دو ویژگی مسلم از آن سرچشمه می‌گیرد: یکی این که رابطه میان افراد به عنوان رابطه‌ای با محدودیت متقابل درک می‌گردد، و دیگر این که برخی حقوق اساسی هم‌چون امری ناگزیر و انتقال ناپذیر برقرار می‌گردد، حتی اگر ویژگی این حقوق تغییر کند. مثلاً لیبرالیسم و روایت‌های کنونی آن حق نامحدود مالکیت را در آن می‌نگراند، حال آن که یک تجدید نظر طلب یا منتقد لیبرال چون **راولس** موضوع را به گونه‌ای متفاوت بررسی می‌کند. امکان پذیرش مضمون‌های متفاوت به این واقعیت مربوط است که مفهوم لیبرالی، همانطور که ما آن را درک کرده‌ایم، یک مفهوم **صوری** است. بنا بر این، از دیدگاه لیبرالیسم ناپ، آن گونه که **جان‌کری** نویسنده لیبرال معاصر در کتاب لیبرالیسم خود آن را تصدیق می‌کند، می‌توان تأیید کرد که لیبرالیسم نیازمند دولت حقوقی و حمایت از برخی آزادی‌های فردی - و البته نه حقوق دموکراتیک - است و نیز همراه با **هایک** می‌توان تأیید کرد که وقتی دموکراسی مدرن در قلمرو حقوق مالکیت دخالت می‌کند به نوعی توتالیترایسم تغییر شکل می‌یابد. اما چنانچه حقوق مثل مالکیت نسبت به حقوق دیگر چون حقوق دموکراتیک باید برتری داشته باشند؟ به عقیده من، سوالی چون این سوال به ما کمک می‌کند که به تناقض بنیادی استدلال لیبرالیسم آگاهی یابیم. اصول لیبرالیسم بدو نشان می‌دهند که برخی حقوق برای آزادی اساسی هستند و برخی دیگر جنبه اساسی ندارند. برتری اصول دموکراتیک نسبت به اصول لیبرالی عبارت از این واقعیت است که در آزادی دموکراتیک تصمیم‌گیری‌ها در باره

قاعده‌ها بر پایه رضایت اطاعت‌کنندگان آن مشروعیت می‌یابد؛ یعنی آزادی دموکراتیک اطاعت از قوانینی است که ما خود به‌طور جمعی وضع کرده‌ایم. بنا بر این، می‌توان گفت، در حالی که آزادی لیبرالی برابری حقوق را خواستار است، آزادی دموکراتیک برابری قدرت و اختیارها را مطالبه می‌کند. به این معنا که همه یکسان در حاکمیت شرکت کنند. از این رو، آزادی دموکراتیک از آزادی لیبرالی فراتر می‌رود. ولی در عین حال همانطور که **کلسن** و **بووبیو** تأیید کرده‌اند، این آزادی برخی جنبه‌های اساسی‌اش را در خود حبس کرده و برای اینکه اراده جمعی بتواند براساس اراده افراد شکل گیرد، ضروری است که عرصه افکار عمومی، یعنی حق بیان آزاد، تضمین گردد. افکار عمومی در صورتی می‌تواند آزادانه شکل گیرد که آزادی اندیشه، بیان، مطبوعات، مذهب، اجتماعتی و انجمن‌ها حفظ و حراست گردد. پس اگر درست فهمیده شود آزادی دموکراتیک، برخی حقوق اساسی آزادی لیبرالی را در بر می‌گیرد. اما بر خلاف لیبرالیسم، ملاک محکمی برای تمیز حقوق اساسی از حقوق غیر اساسی در اختیار دارد. از دید آزادی دموکراتیک، حقوق انتقال ناپذیر، حقوقی هستند که شرایط لازم را برای تصمیم‌گیری دموکراتیک (یعنی برای این که افراد بتوانند اندیشه مناسب خاص خود را شکل دهند و آن را در فضای عمومی بحث با دیگران مقایسه کنند) مشخص می‌سازد. به عقیده من، اندیشه آزادی دموکراتیک، به این مناسبت، حد و مرزهایی را برای انتخاب‌های جمعی تعیین می‌کند، یعنی هیچ تصمیم (خواه با اکثریت، خواه با اتفاق آرا گرفته شود) نباید آزادی‌های لازم برای وجود انتخاب‌های جمعی را که همه در آن سهم‌اند حتی آزادی آن‌هایی را که عدم موافقت‌شان را اعلام کرده و در اقلیت هستند، پایمال کند. اما آیا باید اندیشه آزادی سوسیالیستی را - که هنوز نیازمند تعریف است - به عنوان اندیشه‌ای که مستضمن اندیشه آزادی دموکراتیک است، تلقی کرد، یا برعکس آن را به اصل متفاوت و بعدی ارائه داد. برای کسانی که تمایز میان آزادی منفی و آزادی مثبت را به عنوان یک چیز اساسی قبول دارند، سوسیالیسم و دموکراسی می‌توانند در مقیاسی که در دو به مفهوم مثبت آزادی رجوع می‌کنند، با یکدیگر یگانه شده و پیوند یابند. با این همه، این پیوستگی می‌تواند به گونه متفاوتی استدلال شود. چنانچه **فرانک کوئینکهام** فیلسوف کانادایی و **پیررو تئوری** پرداز دموکراسی **س. ب.** **ساگرسون** چنین دلیلی را ارائه می‌کند. سوسیالیسم می‌تواند به مثابه اعتلای برابری اقتصادی، مادی و فرهنگی انسان‌ها تعریف شود. البته، این برابری شرط لازم برای گسترش برابری دموکراتیک در مقیاسی است که مانع قدرت برتر برخی اشخاص برای تأثیرگذارند در تصمیم‌گیری دموکراتیک شود. پس اگر می‌خواهیم پیشرفت‌های مهمی در بنطن دموکراسی حاصل گردد، نیاز به سوسیالیسم است. برعکس، سرمایه‌داری از آن رو، پذیرفتنی نیست که «به طور بنیادی محدود کننده دموکراسی» است. بنا بر این، در این دوران آزادی سوسیالیستی برابری طلب، عنصر سازنده درونی و اساسی آزادی اقتصادی است. با وجود این، به گونه دیگر هم می‌توان استدلال کرد: مثلاً به نظر من مفهومی از آزادی (که ما آن را آزادی «مارکسی» می‌نامیم و آن نوعی دریافت از آزادی سوسیالیستی است) وجود دارد که نمی‌توان آن را به مفهوم آزادی دموکراتیک تقلیل داد. بلکه برعکس، در نقطه‌های اساسی و مشخص با آن تفاوت دارد. از این رو، می‌کوشم به شرحی بر بررسی‌های تازه‌ام، برخی جنبه‌های آزادی مارکسی را پیمانیم و به این ارزش‌هایی بپردازم که مفهوم آزادی مارکسی در چه مقیاسی می‌تواند برای بیان اندیشه آزادی سوسیالیستی در شرایط امروز مفید باشد.

آزادی «مارکسی»

آزادی مارکسی، یقیناً جنبه اساسی آزادی دموکراتیک را در بر می‌گیرد، که بر طبق آن آزادی عبارت از نظارتی است که افراد به‌طور جمعی بر شرایط زندگی مشترک‌شان اعمال می‌کنند: «تولیدکنندگان مجتمع به طور معقول مبادله ارگانیک خاص خود را با طبیعت تنظیم می‌کنند، آن‌ها به جای این که به وسیله این مبادله به عنوان یک نیروی کور برانگیخته شوند، آن را به‌طور مشترک کنترل می‌کنند». با این همه، مفهوم آزادی از دید **مارکس** با سایر تعریف‌ها عینی می‌گردد که آن را در مفهوم دموکراتیک آزادی، نمی‌بینیم. یک نکته اساسی اندیشه مارکس، این است که آزادی جمعی مستلزم فرارفت از رابطه‌های تضادآمیز و رقابتی، میان افراد به نفع رابطه‌های نوع تعاونی (همبودی) است. او در کتاب **ایدئولوژی آلمانی** نوشت: «تسا در همه‌ا است» «که آزادی شخصی ممکن می‌گردد». به این جنبه که بعد روشن و واضح خواهد شد چیز دیگری نه چندان نامیان اضافه می‌گردد. **مارکس** در یک قطعه

مشهور نوشت: قلمرو واقعی آزادی تنها «آن جا که کار به حکم و اجبار بیرونی پایان می‌دهد»، آغاز می‌گردد و از این رو خواستار رشد و تعالی استعدادها و توانایی‌های بشری است و جز این هدفی ندارد. با توجه به سه جنبه‌ای که تاکنون روشن کردیم، می‌توان گفت که برای **مارکس** آزادی جمعی - که به مثابه آزادی سیاسی تلقی نمی‌شود - رابطه‌ای است که می‌تواند اراده مستقل اساسی و هیپارانه را متحقق سازد و به هدف معقولاته آزادی همه انسان‌ها از قید و بندهای جبر و تصادف خدمت کند، تا آن‌ها به‌طور مشترک خشنودی و رضایت را در اجرای فعالیت‌هایی بیابند که جز آن سودایی ندارند. پس در بیان مشخص آزادی مارکسی (که مفهومی بسیار بفرخ است) چند عنصر با هم تلاقی می‌کنند. رجوع به رشد هر انسان، استعدادها و توانایی‌های خاص بشری او (در حالی که جامعه‌های گذشته رشد برخی‌ها را به زیان برخی دیگر تأمین کرده‌اند) از دید **مارکس** جنبه مرکزی دارد. به عقیده **مارکس** برای نیل به این هدف هیپاری برتری نیازهای در خود لازم، فرارفت از تضادهای ستیزنده و بنا بر این منفی خاص‌نگری جامعه مدنی، نسبی‌اندویدوآلیسم کلاسی و امتیاز ناشی از مالکیت خصوصی را وسایل تولید ضرورت دارد. رشد همه افراد مستلزم نظارت برنامه‌ریزی شده در زمینه تولید است. این نظارت سازنده آزادی جمعی است و این نه تنها به خاطر این که چنین نظارتی فرارفت از تضادهای ناسازگار منافع و امتیازهای طبقاتی را ممکن می‌سازد، بلکه مخصوصاً بدین خاطر که همه افراد را از این اجبار بیرونی آزاد می‌سازد. بنا بر این، به عقیده **مارکس**، خلصت مشخص آزادی، فرارفت از قلمرو خصوصی بورژوایی بازار را ایجاد می‌کند. این آزادی همچنین خواستار فرار رفت از سیاست به عنوان قلمرو مجزا و جانشینی آن به وسیله تعیین سرنوشت دموکراتیک جمعی از نوع غیر سیاسی (آن طور که پادداشت‌های مهم انتقادی مارکس در باره دولت و **آقارشی** باکونین آن را نشان می‌دهد) می‌باشد. در خصوص آن چه که به رابطه میان آزادی دموکراتیک و آزادی سوسیالیستی مربوط می‌گردد، از دیدگاه من، تعریف و تشخیص دریافت مارکسی دشوار به نظر نمی‌آید. آزادی از دیدگاه مارکس فرارفت از تحقق ایدئال دموکراتیک تعیین سرنوشت معقولانه است. تعیین سرنوشت آگاهانه تنها در صورتی می‌تواند به واقعیت مشخص تبدیل گردد که همه ساختار جامعه عمیقاً دگرگون شود.

مسئله آتی

با اینهمه، متأسفانه در دریافت **مارکسی** که آن را به عنوان روش مبهم بررسی آزادی سوسیالیستی درک کرده‌ایم، شماری دشواری‌ها و تضادهای منطقی پنهان است. برخی از آن‌ها را **هاپراس** در مقاله‌ای زیر عنوان «۱۹۸۹ و آینده سوسیالیسم غربی» به‌طور شایان توجه برجهسته کرده است. به نظر من دست کم می‌توان به سه مسئله (مرتبط به هم) را نشان داد که بازبینی عمیق روشی را که مارکس به اعتبار آن آزادی سوسیالیستی یا کمونیستی را بررسی کرده، ناگزیر می‌سازد. ۱- **مسئله لیبرالی**: برخی حقوق اساسی لیبرالی وجود دارد که فکر لیبرال - دموکراتیک آن را قبول دارد. این حقوق برای شکل‌بندی واقعی اراده جمعی، شرایط اساسی را فراهم می‌آورند. پس در این حالت، همان‌طور که **ساگرسون** و **کوئینکهام** استدلال کرده‌اند، حقوق اساسی باید درون پیش‌نوازی شده آزادی سوسیالیستی «به‌کار گرفته شود». ۲- **مسئله تجدید و یفرنجی**: در تئوری اجتماعتی معاصر در باره این تزی که **هاپراس** به طرز درخشانی به توضیح آن پرداخته است، تقارب زیادی وجود دارد. بر اساس این تضادهای مدرن و تنوع یافته (اگر نمی‌خواهند متحمل بهای گزافی شوند) نمی‌توانند خود را از مکانیسم‌های هماهنگ کنش‌های فردی و انتقال اطلاعات: از یک سو، بازارها و از سوی دیگر، نهادهای متفاوت اداری دولت جامعه مدنی، مجهز به «بوروکراسی» خاص محروم سازند. پس، یک سوسیالیسم مدرن نمی‌تواند از زاویه رمانتیک به مثابه ترکیب دوباره واحدهای گسیخته بررسی شود، یعنی در برابر روند تنوع منظم به عقب، به جامعه بدون بازارها و نهادهای مجزای دولتی بازگشت کند، بلکه برعکس باید با استفاده از همه ابزارها و متداول کردن تنوع‌های جدید درون خود این روند قرار گیرد. از سوی دیگر، همان‌طور که هم **هاپراس** و هم **جان اشتو** یادآور شده‌اند، نشان دادن تأثیر متقابل اجتماعتی به عنوان چیزی که به‌طور کاملاً روشن و شفاف و دیدی معقولانه قابل برنامه‌ریزی باشد، ناممکن است. در حقیقت، مفهوم از خود بیگانگی را نمی‌توان کاملاً به بازار نسبت داد. دشواری‌های پیش‌بینی نظارت و نیز وجود دینامیک‌های پیش‌بینی نشده و نامطلوب به مسائل بفرنجی باز ادامه در صفحه ۱۱

کنگره بین المللی مارکس

در روزهای ۱۳ تا ۱۶ ماه مه به ابتکار مجله «فضای مارکس»، سمینار وسیعی در کتابخانه ملی فرانسه و دانشگاه سوربن برگزار گردید. در این مراسم بیش از ۱۵۰ تن پژوهشگر، رهبر جنبش‌های اجتماعی، سندیکایی، احزاب چپ و... از دهها کشور جهان گرد آمدند. بیش از ۳۰۰ مقاله ارسال شده به این سمینار قبل از برگزاری اجلاس در اختیار همه شرکت‌کنندگان قرار گرفت. سخنرانان به مدت ۴ روز در ۳۲ سالن به بحث و تبادل نظر پرداختند.

موضوعات مورد بحث تحت عنوان اصلی تقسیم بندی شده بود. ۱- مانیفست از یک دوران به دوران دیگر ۲- از واقعیت اجتماعی عصر مانیفست به الزامات جهانی امروزی ۳- جهانی برای تسخیر: کدام نقش آفرینان برای کدام انقلاب ۴- معرفت‌تئوریک از مجموعه جنبش تاریخی

برگزاری این سمینار در اکثر نشريات چپ ایرانی انعکاس یافت. نشریه آرش در این رابطه نوشت: «روچیه حاکم در این کنگره نه صرفاً تشریفات کنگره‌های رسمی را داشت و نه کج‌سستی و جدیت مطلق کارهای دانشگاهی را. رگه‌های بحث و تحقیق جدی و تلاش صادقانه برای تکامل اندیشه و

سنت مبارزاتی مارکسیستی و جستجوی راهی برای خروج از بوخ نظام سرمایه‌داری به خوبی چشم می‌خورد. نگاه‌ها غالباً رنگ نقد و ارزیابی داشت و کمتر حالتی از جمود و نوستالژی در آن دیده می‌شد. نامه مردم، ضمن انتشار گزارشی از این کنفرانس بخشی از سخنرانی نماینده حزب توده ایران را تحت عنوان «حاکمیت بر آمده از اکثریت: مانیفست در عمل» منتشر نمود.

نشریه راه آزادی در این باره نوشت: فضای حاکم، فضای جمعی مشتاق و با انگیزه آموختن و یافتن راهی بسوی روشنایی بود. تنوع افکار در این سمینار شگفت‌آور بود. مثلاً آقای ماجومبار سندیکالیست هندی بر این باور بود که «مانیفست همچنان راهنمای ماست» و فان دان کونگ از ویتنام فقط نوشتن یک پیش‌گفتار تازه‌ای را برای مانیفست کافی می‌دانست و در سوی دیگر فیلسوف آرژانتینی آنجلو برن قرار داشت که اساس ساختار نظری مانیفست را مورد سوال قرار می‌داد. از دیدگاه او مانیفست به توان انکشاف سرمایه‌داری کم بها داده و به نخبگی انقلابی پر بها داده و در باره ناسیونالیسم، محیط زیست و ستم بر زنان کلمه‌ای نگفته است. اما تفاهم عمومی بر این بود که آنچه مانیفست را همچنان

هی و حاضر نگاه داشته است قرائت مسائل جهان کنونی از ورای مندرجات آن نیست، بلکه این است که مانیفست هنوز حامل یک اخلاق و منش انقلابی راهنماست و می‌تواند زرق‌ترین احساسات خواننده را علیه بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها و استثمار برانگیزد.

۱۵ سالگی مانیفست

نشریه راه کارگر بخش مهمی از آخرین شماره خود را به یزدگرداشت ۱۵۰ سالگی مانیفست اختصاص داده و در این رابطه متن مانیفست و مقالاتی بقلم ر - فراهانی تحت عنوان «مانیفست حزب کمونیست و مفهوم دولت» و محمد رضا شالگونی تحت عنوان «حالا یک بار دیگر آن را بخوانید» را منتشر نموده است. محمد رضا شالگونی در مقاله خود به جدا بودن حساب مانیفست کمونیست و رژیم‌های کمونیستی و دلایل گسترش مانیفست پرداخته و نتیجه‌گیری نموده که دوران گسترش جدیدی در حال شکل‌گیری است و مارکسیسم فارغ از تفوذ مختل‌کننده حزب - دولت‌های کمونیستی، بار دیگر می‌تواند همچون مظاهره در فکری جنبش مستقل اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم، پیشروی‌اش را از سر گیرد.

نشریه آرش در آخرین شماره خود، مجموعه مقالاتی را در این رابطه انتشار داده است. در این شماره آرش، چندین ترجمه از مقالاتی که در این رابطه نوشته شده، منجمده ترجمه برخی مقالات ارائه شده به «سمینار مارکس» در پاریس، منتشر گردید. این مقالات عبارتند از: «جهانی شدن و انترناسیونالیسم، دو مسأله‌ی هم‌چنان زنده‌ی مانیفست» بقلم میکائیل له‌وی، «مانیفست» و سرنوشت آن» بقلم ژرژ لاییکا، «از مانیفست‌ها تا مانیفست» بقلم کلود مازوری، «مانیفست در عمل» به قلم فرانسیس کوهن، ناصر مهاجر در مقاله‌ی با عنوان «شبحی که همچنان در گشت و گذار است» به بررسی شرایط و چگونگی تدوین این سند و اهمیت و نقش تاریخی آن و نقش آن در ایران پرداخته است.

باباعلی در مقاله‌ی با عنوان «مانیفست حزب کمونیست، برنامه دیروز کمونیست‌ها و سند تاریخی امروز جنبش کارگری» این سند را از دو زاویه مورد بررسی قرار داده است. وی می‌نویسد این رساله کوتاه پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر با نفوذترین سند سیاسی تاریخ معاصر بوده‌است. در ابتدا، غرض از نگارش آن تدوین برنامه مفصل تئوریک و عملی اتحادیه کمونیست‌ها بسود و

حال آنکه بعدها به عنوان یکی از اسناد تاریخی جنبش کارگری شناخته شد. وی در ادامه به محدودیت‌های این سند بعنوان برنامه نظری و عملی کمونیست‌ها که در شرایط تاریخی معینی تدوین گردیده، تاکید نمود و بر نکاتی چون اروپایی بودن سند و آنکه تمامی تحلیلیها و نتیجه‌گیری‌های سند در ارتباط با جامعه اروپا تدوین گردیده، مردانه بودن سند و کم دقتی احکام مربوط به پروتاریا و بورژوازی و روندهای آتی اشاره کرده و سپس مانیفست را بعنوان یک سند دارای ارزش تاریخی مورد بررسی قرار داده است.

مرتضی محیط در مقاله‌ی با عنوان «بسمانست صدوپنجاهمین سال انتشار بیانیه کمونیست» به برگزاری کنفرانس پژوهشگران سوسیالیست که همه ساله در نیویورک برگزار می‌گردد و امسال نشست خود را به این موضوع اختصاص داد، اشاره نموده و بخش‌هایی از مقاله نوشته شده توسط جان کشیدی مسئول تعیین استراتژی یکی از موسسات وال استریت را درج نمود. جان کشیدی در مقاله خود به اهمیت نظرات و پیش‌بینی‌های مارکس اذعان نموده و آنرا با جمله «تا زمانی که نظام سرمایه‌داری ادامه دارد، خوانندن کتاب‌های مارکس ارزش خواهد داشت» پایان می‌دهد. □

نظرات سردبیر نشریه «عصر ما» در باره

شورا و حزب

و امکانات را صرف اجرای صحیح قانون شورا کنیم که خود بستر مناسبی برای مشارکت مردم در امور خودشان است. به این ترتیب زمینه‌های فرهنگی اجتماعی برای عمل حزبی و ایجاد یک نظام حزبی سالم خودبخود فراهم خواهد شد.

نشریه هشپری هفته گذشته مصاحبه‌ای با محسن آرمین از اعضای رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی انجام داد. این مصاحبه به نقش گروه‌های فشار، فعالیت حزبی در ایران، تشکیل شوراها و جامعه مدنی تخصیص یافته است.

در این مصاحبه، آقای آرمین در پاسخ به این سؤال که چه عواملی باعث می‌شود تا شکل‌گیری احزاب سیاسی به معنای واقعی آن در ایران دشوار باشد، می‌گوید:

من مهم‌ترین و موثرترین عامل در عدم گسترش و شکل‌گیری یک نظام حزبی مطلوب در کشور را عوامل اجتماعی، فرهنگی می‌دانم. در تصمیم‌گیریهای دولت در باره احزاب ممکن است نارسائی و نواقصی وجود داشته باشد و محدودیتها و مشکلات قانونی را شاهد باشیم اما در مجموع تصمیم‌گیریهای دولت و برنامه حرکتی که دولت در این زمینه دارد و تسهیلاتی راکه در این زمینه فراهم کرده قابل انتقاد نمی‌دانم و فکر می‌کنم با توجه به شرایط موجود، به نظر نرسد جداگانه تسهیلات لازم را فراهم آورده است. حداقل این است که مانع خاصی وجود ندارد.

آقای آرمین به این سؤال چنین پاسخ دادند:

من این را تجدید نظر نمی‌بینم. ببینید آنچه که مسلم است راهکارها و تسهیلاتی که در شرایط کنونی برای تشکیل حزب و برای فعالیت حزبی فراهم شده، اعم از اخذ مجوز فعالیت حزبی، گرفتن نشریه، میتینگ و مجوز فعالیت‌های مختلف حزبی در ابعاد مختلف، بسیار بیش از گذشته است و قابل مقایسه با آن زمان نیست. یعنی دولت در تحقق این شعار تلاش کرده و به وعده خودش هم تا حدودی جامه عمل پوشانده. ما الان بحثان این نیست که آیا به اصطلاح دولت وعده خودش را عمل می‌کند یا نه، بحث این است که خیلی خوب، دولت آنچه را که از دستش برمی‌آمده کرده و نهایتش را هم عرضه کرد این است که ما حالا یک سری ضوابط تشویقی در نظر بگیریم. اما اگر این کار را هم بکنیم نتیجه‌ای بیش از این نمی‌دهد یعنی بیش از این دیگر دست دولت نیست. بخش مهمی از موفقیت در این زمینه به علت فاعلی مربوط می‌شود و یعنی جامعه باید قابلیت پذیرش نظام حزبی را داشته باشد. از ناحیه علت فاعلی که در حال حاضر مشکلی وجود ندارد.

برای این که سوء تفاهم ایجاد نشود تاکید می‌کنم که نظر من این نیست که چون دولت بیشتر از این کاری نمی‌تواند بکند، دولت در حزب را ببندد. نه خیر به نظر من چون دولت بیش از این کاری نمی‌تواند بکند باید به این حد اکتفا نکنند. دولت خودش که نمی‌خواهد حزب درست کند، دولت فقط می‌تواند زمینه فعالیت حزبی را فراهم کند. یعنی رفع محدودیت‌های قانونی بکند و تسهیلات لازم را فراهم کند و بگوید آقا شما بیایید حزب تشکیل بدهید و در واقع یک امنیت هم ایجاد بکنند که اگر فعالیت حزبی را فراهم کند، مشروط نشاند و از نظر من دولت ترسد. بنابراین به نظر من دولت در این فرصت کوتاه با توجه به این واقعیات موجود و با توجه به آن چه که در توان داشته عمل کرده است. بحث این است که اگر دولت سرمایه‌گذاری بیش از این برای تشکیل حزب بکند و این سرمایه‌گذاری پاسخ ندهد و یا راندمان اندکی داشته باشد، عقل چه حکم می‌کند؟ آیا این کار را همچنان ادامه بدهد؟ یا از مسیر دیگری سعی بر بسترسازی بکند؟ □

سه مفهوم در باره آزادی:

و استعدادهایشان و اجابت نیازهایشان به طور مسئولانه و همیارانه است. آزادی سوسیالیستی در این مفهوم فقط خواستار حقوق برابر نیست و به اختیارهای برابر بسنده نمی‌کند (حتی اگر این تقاضاها بسیار بعید است اجابت شوند). آزادی سوسیالیستی در عین حال خواستار آزادی و برابری و هم‌چنین برادری و همبستگی است و برای کمک به رشد همه افراد و مخصوصاً برای کمک به آن‌هایی که بسیار ناتوان و نیازمندند، به ثروت و نیروهای عظیم مولد که در جامعه انباشته شده، احتیاج دارند. پس در این مفهوم، آزادی سوسیالیستی فقط می‌تواند یک ایده‌آل اخلاقی باشد؛ ایده‌آلی که ما بسیار با آن فاصله داریم. و برای اندیشیدن به این مسئله لازم است که ما از نفی اخلاقی فکر مارکس که متوجه قشر سطحی است و ربطی به عقب ندارد، درگذریم. البته، این آزادی تنها یک ایده‌آل اخلاقی نیست، بلکه یک نیروی واقعی است که تاریخ این قرن در خلال پیروزی‌ها و شکست‌ها، کامیابی‌ها و غفلت‌ها عقاب آن را نشان داده است. روشی را که محتماً اکنون می‌توان از درون رویدادها بیرون کشید این است که سوسیالیسم نمی‌تواند به عنوان جهان کاملاً مجزا، فراکالایی، مدل جانشین جامعه در شکل‌های از پیش تصدوین شده بررسی شود. سوسیالیسم را بیشتر باید به عنوان فعالیت‌های دگرگون‌ساز در درون شکل‌های گوناگون مدرنیته درک کرد که هدف آن عبارت است از تحقق این اصل اساسی (یعنی حق هر کس در ارضای نیازها و رشد استعدادهایش) در شکل‌هایی از نفی هر نوع امتیاز ناموجه و برابری حقوق هرکس، و مسئولیت مشترک در برابر سونوشت هموعان نتیجه می‌شود. در ایمن مفهوم، آزادی

ادامه از صفحه ۱۰ می‌گردند که نه تنها به اقتصادهای بازار، بلکه به اقتصادهای برنامه‌ریزی شده و از نوع «خود مدیریت» نیز مربوط می‌گردد. ۳- مسئله کارآیی اقتصادی: این مسئله به مسئله پیش گفته ربط می‌یابد. اما آنچه مربوط به مسائل فلسفه سیاسی است، راولس در کتاب «اصول اخلاقیات» مشهورش آن را شرح داده است. حتی اگر ما با هدف رشد همه افراد برتری همیاری مسئولانه را تأیید کنیم، نمی‌توانیم در موردهای معینی رقابت و نابرابری ناشی از آن را که شانس‌های رشد و رفاه برای همه را افزایش می‌دهند، نفی کنیم. به علاوه، این اسلوب یا مارکس‌یگانه نیست که معتقد بود دستمزد نسبی در کار و بنابراین نیز تقسیم سود در نخستین مرحله جامعه کمونیستی ضروری است و تنها بر اثر آن می‌توان به سطح همبستگی عمومی یعنی به سطحی رسید که اصل «از هر کس طبق استعدادش و به هر کس طبق نیازهایش» بیانگر آن است. اما آیا همه این ملاطفت‌ها ما را بس به سوسیالیسم ایده‌آل آزادی سوسیالیستی وامی‌دارد؟ من چنین عقیده‌ای ندارم. برعکس، این ایده‌آلها بیشتر ما را به بازاندیشی، چه در زمینه اصول و چه در زمینه نهادها و سیاست‌های ضروری، بسش از ایمن می‌توان آزادی سوسیالیستی را در عبارت‌های مارکس ردیابی کرد، پس دربارۀ این آزادی چگونه باید اندیشید؟ به نظر من تفکر در باره این موضوع باید بر اساس جنبه‌ای باشد که نزد مارکس وجود داشت. هرچند این جنبه به شرایط متفاوت مربوط باشد. شاید آن چه امروز نیز بتواند مفهوم آزادی سوسیالیستی را متناهی کند، همانا اندیشه تعیین سرنوشت جمعی است که مستلزم حق همه افراد برای رشد توانایی‌ها

جدایی جبهه دمکراتیک ملی ایران از شورای ملی مقاومت

تقاضای بررسی جمعی نماید». طبق اسنادنامه شورای ملی مقاومت، عضویت در شورا مستلزم التزام به مصوبات شورا است که برای همه اعضا الزام‌آور می‌باشد و بر این اساس، موضوع در اجلاس آینده شورا مورد بحث و بررسی و تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت». در همین شماره نشریه مجاهد آقای مهدی سامع اطلاعاتی صادر نمود و ضمن حمله به نشریه امروز که شایعه جدایی این دو سازمان از شورای ملی مقاومت را منعکس کرده بود خبر مزبور را رد کرد. در این اطلاعیه آمده است: «نشریه مافیایی نپروزم که جایگاه اطلاعاتی‌های وزارت اطلاعات آخوندی و سرویسهای اطلاعاتی استعماری است، در شماره امروز خود با یک استدلال مسخره مدعی شده است که اینجانب درصدد جدایی از شورای ملی مقاومت ایران می‌باشم. ضمن تکذیب قاطعانه این خبر وزارت اطلاعات رژیم آخوندی، برای اطلاع عموم اعلام می‌کنم که سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که اینجانب نماینده آن در شورای ملی مقاومت می‌باشم همچنان عضو شورای ملی مقاومت ایران به مثابه تنها آئرناتیو دموکراتیک این رژیم است و با تاکید بر التزام نسبت به برنامه و طرح‌ها و مصوبات شورا، به ویژه همه پندهای قطعنامه سه‌همراه ۷۶ شورا، تصریح می‌نمایم راه‌رهایی مردم ایران سرنگونی این رژیم و تمام دست‌بندیها و باندهای درونی آن از طریق مبارزه مسلحانه انقلابی است». □

از چندین قبل شایعاتی در رابطه با امکان جدایی جبهه دمکراتیک ملی ایران (هدایت‌الله متین دفتری) و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (مهدی سامع) در محافل سیاسی مطرح گردیده بود. هفته گذشته دبیرخانه شورای ملی مقاومت اطلاعاتی در رابطه با جبهه دمکراتیک ملی ایران انتشار داد که صحت این شایعات را در رابطه با این سازمان تأیید می‌کرد. در این اطلاعیه آمده است: «خانم فرشته یگانه، دبیر ارشد شورای ملی مقاومت، در مورد مواضع سیاسی اتخاذ شده توسط آقای متین دفتری، نماینده جبهه دمکراتیک ملی ایران، در سخن گاهنامه آزادی (شماره ۱۳) که اخیراً منتشر شده است، اعلام کرد: تاکنون بسیاری از اعضای شورا این مواضع را نقض و مرتزبندیهایی سیاسی با رژیم و نقض التزامات شورایی هم‌چنین اعتراض‌های کتبی خطاب به مسئول شورا به دبیرخانه واصل شده که در آنها رسیدگی به موارد نقض التزام و اخراج از شورا درخواست شده‌است. خانم یگانه از روی: هفته گذشته آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، در تماس با آقای متین‌دفتری، طبق ماده ۹ آئیننامه داخلی شورا، در باره نقض التزام نسبت به قطعنامه همراه ۱۳۷۶ شورا، اخطار داد. طبق ماده ۹ آئیننامه داخلی، مسئول شورا به هنگام تخلفات «به سؤال کردن و دادن تذکر و اخطار مجاز شناخته می‌شود، اما عضو مربوطه می‌تواند آن را در نخستین جلسه شورا مطرح و

تک فروشی: معادل ۳ مارک آلمان

بهای اشتراک:

اروپا: شش ماه ۴۵ مارک: یک ساله ۹۰ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۵۲ مارک: یک ساله ۱۰۴ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:

Postfach 260268

50515 Köln

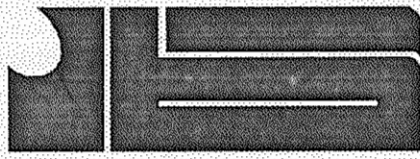
Germany

I.G.e.v آدرس:

22 44 20 32

37 05 01 98

Germany



چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۳۷۷ - ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۸۷

KAR. No. 187 Wednesday 22. July. 1998

G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود

مرگ معروف ترین زندانی سیاسی نیجریه و عواقب آن

عصمت مرگ همسرش را مسومیت وی بیان کرد و حاکمان نظامی نیجریه را مسئول مرگ آیویلا دانست. با انتشار گزارش مرگ آیویلا و شایعه مسومیت وی، شهرهای بزرگ نیجریه شاهد صحنه تظاهرات و درگیری طرفداران وی با نیروهای نظامی شدند. در این درگیری ها صدها نفر زخمی و حداقل ۴۸ نفر کشته شدند. در پی این ناآرامی ها ژنرال ابوبکر دولت نظامی را ملغی نمود. آیویلا نه تنها معروف ترین، بلکه ثروتمندترین زندانی سیاسی نیجریه نیز بود. وی صاحب یک روزنامه و شرکت هواپیمایی بود و در دهها پروژه کمک رسانی و خیریه دخیل بود. با اعلام آمارهای دولت نیجریه برای کالبدشکافی جسد آیویلا از سوی یک هیئت پزشکی بین المللی، که نتیجه آن بطور رسمی اعلام گردید سولن ها از دخالت مستقیم دولت نظامی در مرگ آیویلا بتر طرف گردید و جسد وی چند روز بعد طی مراسمی به خاک سپرده شد. نیجریه ۱۰۷ میلیون نفر جمعیت دارد. ۹۵٪ از صادرات آن نفت می باشد که ایالات متحده با ۵۲٪ و اروپا با ۲۴٪ از عددها در بیشترین طرف های معاملاتی این کشور می باشد. ۵۰٪ از واردات این کشور را اروپا، ۱۳٪ آمریکا و ۷٪ از این تامین می نمایند. آیویلا درگذشت اما تلاش های برای تشکیل یک دولت غیرنظامی و دمکراتیزه کردن نیجریه ادامه دارد.

دو هفته قبل هنگام بازدید کوفی عنان از نیجریه و ملاقاتش با موشود آبیولا، وی از عنان پرسید: شما کی هستی؟ عنان در جواب این سوال گفت: من دبیر کل سازمان ملل می باشم. آیویلا با تعجب گفته بود: رئیس سازمان ملل که یک مصری است! طی مساهلهای گذشته اپوزیسیون نیجریه بارها در مورد وضعیت جسد آیویلا معروف ترین زندانی سیاسی نیجریه هشدار داده و خواهان انجام مراقبت های پزشکی از وی گردیده بود. بعد از مرگ ژنرال سانی آباخا و روی کار آمدن ژنرال عبدالسلام ابوبکر امیدهایی برای آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت دمکراسی به نیجریه شکل گرفت. با ملاقات کوفی عنان و مذاکرات چند روزی با ژنرال های حاکم بر نیجریه به نظر می رسید تا تحقق این امیدا راه درازی نمانده بود. بلافاصله بعد از مسافرت کوفی عنان که بنا بر گزارش رسانه های گروهی موفقیت آمیز تعلق گیری، یک هیئت نمایندگی آمریکایی از این کشور دیدار نمود. این هیئت برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش می کرد. آیویلا در جلسه ای که با حضور نمایندگان هیئت در جریان بود، احساس ناراحتی کرد و چند دقیقه بعد بر اثر سکته قلبی درگذشت. مرگ ناگهانی آیویلا سولن هایی را در مورد دست داشتن دولت این کشور در آن پرتانگیخت. یکی از سه همسر آیویلا در مصاحبه با سی.ان.ان

افغانستان در آتش جنایات طالبان می سوزد

طالبان به تلویزیون اعلان جنگ داد



سخن گفت. دو غرب کسی به این سخنان توجهی نکرد. مجاهدین افغانی برای غرب ارزش ویژه ای داشتند. اکنون طالبان دو هفته به مردم است که تلویزیون، ضبط صوت و آنتن های بشقابی خود را دور بریزند. رادیو طالبان گفت فیلم و موسیقی موجب فساد اخلاق

سازمان عفو بین الملل نمونه تازدهای از جنایات طالبان را افشا کرد. به گزارش این سازمان زن جوانی به هنگام رفتن به یک عروسی توسط طالبان دستگیر شده و به خاطر آن که ناخن هایش لاک داشته است، سرانگشتان دستش را قطع کرده اند. شاید در هیچ جای دنیا، زنان بدین گونه سرکوب نمی شوند. آنها از عرصه زندگی اجتماعی رانده شده اند و حق آموزش از آنان سلب شده است. طالبان تمامی دستاوردهای زنان را که در طی دو دهه، تا پیش از تسلط مجاهدین بر این کشور، به دست آمده بود، نابود کرده اند. در افغانستان در سال ۱۹۲۱ اولین دبستان دخترانه افتتاح شد. در سال ۱۹۲۸ برای اولین بار زنان بدون حجاب در اجتماعات ظاهر شدند. در هان سال ها زنان افغانی در ترکیه زمان آتاتورک یا در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداختند. در سال ۱۹۶۵ اولین بار آنها حق رای یافتند. قبل از ورود ارتش شوروی به افغانستان، ۱/۷ میلیون زن در این کشور شاغل بودند. در طی ده سال حکومت طرفدار شوروی، بر تعداد زنان شاغل و تحصیل کرده افزوده شد. سرکوب حقوق زنان در افغانستان با روی کار آمدن طالبان آغاز نشد، قبل از آن در زمان تسلط مجاهدین آغاز شد. سازمان عفو بین الملل در سال ۱۹۹۵ از «فاجعه حقوق بشر»، از دستگیری های وسیع، کشتار جمعی، شکنجه و تجاوز به زنان از طرف تمامی گروه های مسلح

درانتخابات مجلس مشاوران ژاپن حزب حاکم شکست خورد

کارکرد مثبت این اقدام مشاهده نمی گردد. شکست لیبرال دمکرات ها در انتخابات سنای ژاپن، قانونا دولت هاشیموتو را ساقط نمی کند، اما از آنجا که نتیجه انتخابات نشان دهنده نارضایتی مردم از برنامه های اقتصادی دولت وی است، او از سمت خود کناره گیری کرد. هاشیموتو در مصاحبه مطبوعاتی که پس از روشن شدن نتیجه انتخابات انجام گردید، مسئولیت شکست انتخاباتی را به عهده گرفت و گفت: شکست حزب لیبرال دمکرات در جریان انتخابات مجلس مشاوران نتیجه ناتوانی شخص من بوده است. طبق قانون اساسی ژاپن، رهبر حزب اکثریت در پارلمان منصب نخست وزیری را نیز به عهده می گیرد، به همین دلیل استعفاي هاشیموتو از رهبری حزب منجر به کناره گیری وی از مقام نخست وزیری نیز خواهد شد. کنرو ابوجی وزیر خارجه کنونی بعنوان نامزد جانشینی هاشیموتو محسوب می گردد. طی روزهای گذشته با اعلام انصراف احزاب سوسیال دمکرات و ساکی گاکه نوین، از ادامه ائتلاف با حزب حاکم لیبرال بحران سیاسی ژاپن را فرا گرفت. از سوی دیگر رهبر حزب کمونیست این کشور از احزاب اپوزیسیون خواست تا برای گرفتن قدرت سیاسی از دست حزب حاکم لیبرال با یکدیگر همکاری نمایند. وی خوساستار انحلال مجلس برای تزیق به بازار دیدن گرفته بود، اما هنوز آثاری از



حزب لیبرال دمکرات «LDP» به رهبری ریویوتارو هاشیموتو در هجدهمین دوره از انتخابات مجلس مشاوران که روز یکشنبه هفته گذشته برگزار شد با از دست دادن ۱۶ کرسی متحمل شکست سنگینی شد. در پی این شکست نخست وزیر ژاپن از سمت خود استعفا داد. انتخابات نخست وزیر ژاپن رسماً با درخواست صاحبان صنایع و سازمان های مالی جهانی در زمینه کاهش مالیاتها موافقت کرد. وی سال قبل مالیات مستقیم بر کالاها و خدمات را از ۳ به ۵ درصد افزایش داده بود که این اقدام باعث کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان و در نتیجه رکود بازار داخلی گشته بود. ژاپن از ده سال پیش در رکود دائم اقتصادی بسر می برد. افزایش بیکاری، مشکل سوخت اوراق بهادار و ورشکسته شدن بنگاه های مالی و بانکی از عوامل دیگر این بحران اقتصادی هستند. دولت ژاپن در بودجه امسال برای ایجاد رونق دوباره اقتصادی بیش از ۱۶ تریلیون یمن برای تزریق به بازار دیدن گرفته بود، اما هنوز آثاری از

ایران و جاده ابریشم قرن بیست و یکم

قزاقستان، طرح خط لوله زیر دریای خزر را پیشنهاد کرده اند که به خط لوله قفقاز وصل خواهد شد. آنها همچنین برای شکست دادن پروژه توتال فرانسه، (که با گاز پروم روسیه و پتروناس مالزی مشترکا کنسرسیومی برای بهره برداری از گاز ایران تشکیل داده اند) سعی می کنند با دادن امتیاز به مالزی شرکت پتروناس را وادار به برهم زدن قرارداد نمایند. در عوض به مالزی پیشنهاد می کنند که در یکی از پروژه های نفت و گاز ترکمنستان با آمریکایی ها شریک شود. باید در نظر داشت که در عرض یک سال گذشته روسای جمهوری آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان و ترکمنستان از آمریکا دیدن کرده اند و سفر مراد نیازاف، رئیس جمهور ترکمنستان، بعد از سفر خود به واشنگتن در آوریل ۱۹۹۸، اعلام کرد که از طرح ترانسپورت قفقاز حمایت می کند و توافق قبلی خود را با ایران و روسیه به هم می زند. روس ها در قفقاز و آسیای مرکزی به قدر توانشان با نفوذ غرب مبارزه می کنند. آنها در وهله اول می گویند رشته های اقتصاد انحصار روسیه بر نفت

ایران و جاده ابریشم قرن بیست و یکم

ماشاءالله رزمی مرکز، شرایطی را به وجود آورده است که ایجاد تعادل جدید ژئوپلیتیک را در منطقه ضروری می سازد. برزیسکی، مشاور سابق جیمی کارتر، می گوید: «باید روسیه را تضعیف کرد و این به نفع اوست ... با تقویت حق حاکمیت کشورهای تازه استقلال یافته و با محکم کردن رابطه اقتصادی این کشورها با کمپانی های چند ملیتی، به این ترتیب کار روسیه برای دست کشیدن از تسریع نوامپریالیستی اش تسریع می شود و ما بالاخره این کشور را به یک طرف معامله مسئول تبدیل می کنیم که به ایفای نقش محلی خود در صحنه شطرنج جهانی راضی بشود». روسیه که در حال حاضر قادر به انجام نقش سابق خود نیست و با وجود جنگ قدرتی که در کرملین جریان دارد، باز هم در مقابل غرب عکس العمل نشان می دهد. شرکت های نفتی روسیه سعی می کنند در تمام پروژه های بهره برداری از نفت و گاز منطقه سهم شوند و در عین حال روسیه

هفت سال بعد از انحلال اتحاد شوروی، تحولات بزرگی در ژئوپلیتیک حوزه دریای خزر و تمام کشورهای تازه استقلال یافته در حال انجام است. محور این تحولات ایجاد شادراه اروپا-آسیا می باشد. طرح احداث جاده ها و امکانات حمل و نقل در سال های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ هنگامی که جنگ برای استقلال در کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی شعله ور بود، برای اروپایی ها مطرح شد. در آن زمان غربی ها متوجه شدند که بدون استفاده از امکانات حمل و نقل روسیه نمی توانند به این کشورها کمک های خیریه برسانند. در ضمن امکانات روسیه نیز بسیار کند و غیر مطمئن بود. هفت کشور واقع در قفقاز و آسیای مرکزی بسته بوده و به غیر از گرجستان بقیه به دریای آزاد راه ندارند. ترانسپورت کربودر اروپا، قفقاز، آسیا (TRALECA) که در سال ۱۹۹۶ به نام «جاده ابریشم قرن بیست و یکم» نام گذاری شد، شامل اتوبان، راه آهن، دالان هوایی، خطوط انتقال نفت و گاز و بنادر مختلف و سایر تاسیساتی که حمل و نقل مدرن را امکان پذیر می سازد، با ضمایم متعدد می باشد. توجه این طرح عظیم خارج ساختن